

#### چکیده

هدف از این تحقیق شناسایی و ارزیابی عوامل (درونی و بیرونی) مؤثر بر فرهنگ فساد در ورزش است، لذا با شناسایی این شاخص‌ها به تحلیل فساد ورزشی پرداخته می‌شود. جامعه تحقیق، ۲۳ نفر از خبرگان بین‌المللی است که در زمینه فساد سابقه پژوهش و مطالعه داشته‌اند. بر اساس مرور ادبیات و پیشینه پژوهش ۱۵ شاخص شناسایی و استخراج شد. برای تجزیه تحلیل داده‌ها از روش ترکیبی تئوری تصمیم‌گیری چند معیاره فازی شامل: ANP بر اساس DEMATEL استفاده شد. نتایج روابط علی-معلولی این پژوهش نشان داد که شاخص‌های جهان بیرونی (۸ شاخص) به عنوان عوامل اثرگذار (علت)، شناخته شدند. از این بین، شاخص بهشت گمشده، فراوانی فرصت‌های فساد و هزینه‌ی پایین مشارکت در فساد، به ترتیب اثرگذارترین بودند. برقراری نظام پایش و بررسی‌ها برای شناسایی ساختارهای فسادزا و محدود کردن فرصت‌های فساد، متناسب‌سازی نظام جرم و مجازات، تلاش برای مقابله با بی‌تفاوتی و بی‌حسی اجتماعی، ایجاد سیستم‌های آموزشی کارآمد جهت همراه کردن جامعه با راهبرد تقبیح فساد، ایجاد سازوکارهای تشویقی برای اقدامات افشاگرانه، می‌تواند تحمل فساد را در جامعه تا حدود زیادی پایین بیاورد و سهولت مشارکت در فساد را از بین ببرد.

■ واژگان کلیدی

فرهنگ، فساد، ورزش، بهشت گمشده، تصمیم‌گیری چند معیاره

## عادی‌سازی فساد

## و مؤلفه‌های مؤثر بر آن در ورزش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

### علی ناصری

دکترای مدیریت ورزشی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

[ali\\_naseri\\_13@yahoo.com](mailto:ali_naseri_13@yahoo.com)

### زهره حسنی

استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

[hassanizohreh76@yahoo.com](mailto:hassanizohreh76@yahoo.com)

### بهرام یوسفی

دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

[bahramyoosefy@yahoo.com](mailto:bahramyoosefy@yahoo.com)

### علی اشرف خزابی

استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

[aakhazaei67@gmail.com](mailto:aakhazaei67@gmail.com)

## ۱. مقدمه

یک موضوع بحث‌برانگیز در ادبیات فساد، نقش «فرهنگ» یا «سنت» در ترویج یا جلوگیری از فساد است (هولمبرگ، روتشتاین و ناسریتوسی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۱۳۹). فرهنگ مانند جو و فضای حاکم بر افراد و عناصر جامعه است، هر آلودگی و رخنه‌ای در آن، بر افراد و جامعه هم اثر می‌گذارد (امینی، ۱۳۹۵: ۲۵۷). سؤال اساسی این است که آیا فساد منعکس‌کننده یک جهت‌گیری فرهنگی است یا مفاهیمی همچون درستکاری، تحت تأثیر حکومت‌ها، دست‌خوش تغییر می‌شود (هولمبرگ، روتشتاین و ناسریتوسی، ۲۰۰۹: ۱۳۹). درستکاری، یک فضیلت متعالی است که همه فضائل را به هم متصل می‌کند (کیل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸: ۹۶)؛ اما چرا برخی افراد، فساد را بر درستکاری ترجیح می‌دهند، در حالی که برخی دیگر این‌گونه نیستند؟ آیا هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های حاکم در جوامعی که در آنها رشد یافته‌اند، بر تصمیمات آنها تأثیر می‌گذارند؟ آیا تنها هزینه‌های اقتصادی و مزایای مربوط به یک فعالیت مفسدانه است که اهمیت دارد یا انگیزه‌های درونی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؟ حال اگر انگیزه‌های درونی مهم‌اند، آیا آنها از نظر فرهنگی تعیین می‌شوند یا مسئله‌ای دیگر در میان است؟ (بار<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰: ۱۱). انگیزه‌های درونی، معمولاً از تعمیم هنجارهای اجتماعی موجود در یک جامعه سرچشمه می‌گیرند. هنگامی که ارزش‌های اساسی در یک جامعه به اشتراک گذاشته می‌شود، هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرند، در این حالت انحراف از این باورها، ناسازگاری ناشی از عدم پذیرش ارزش‌های اجتماعی را در پی دارد که باعث ایجاد احساس گناه می‌شود؛ بنابراین ارزش‌های فرهنگی، مفهومی اساسی است که اهداف و نحوه عملکرد نهادهای اجتماعی را توجیه و هدایت می‌کند (بار، ۲۰۱۰: ۱۱). تجربه زندگی واقعی ثابت می‌کند اخلاق، بسیار با جامعه مرتبط است. با این حال، اخلاق نه تنها از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر، بلکه در سطح فردی و حتی از یک وضعیت به وضعیتی دیگر متفاوت است، به خصوص اگر عواملی مانند احساسات در نظر گرفته شوند. اساساً، برای دستیابی به یک دیدگاه داخلی مناسب، به ترکیبی از موارد و عوامل گوناگون احتیاج است؛ بنابراین، در سال‌های اخیر، این رویکرد رفتاری استدلال می‌کند که حتی تصمیم‌گیری‌های عقلایی، ممکن

---

1. Holmberg, Rothstein, & Nasiritousi

2. Kihl

3. Barr

است درگیر رفتارهای ظاهراً غیرمنطقی قرار گیرند که بیشتر از آنکه به‌وسیله محاسبات منطقی هدایت شود، تحت تأثیر کنش‌ها و شرایط محیط بیرونی است (باربرز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۱۷). در مجموع، عوامل بسیاری وجود دارد که جهان داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و می‌توانند به عنوان ارکان اساسی در توضیح رفتار فاسد شناخته شوند (دیمانت و شولت، ۲۰۱۶: ۵۵). با این حال تحقیقات نشان می‌دهد که تصمیم به رفتار فاسد فقط توسط عوامل درونی هدایت نمی‌شود. در عوض، تعامل با محیط اجتماعی است که جهان داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا بر آن غلبه می‌کند. اکنون، به بررسی تحقیقاتی می‌پردازیم که به درک هرچه بیشتر ما از نحوه تصمیم‌گیری رفتارهای فاسد و ایجاد دنیای داخلی کمک می‌کند. مطالعه در نپال نشان می‌دهد که آموزش یکی از عوامل اصلی رفتارهای فاسد است. تحصیلات عالی به شدت با احتمال وقوع رفتارهای فاسد و عدم تمایل به پذیرش رشوه‌های کوچک ارتباط دارد (سانگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۱۹۹). گتفردسون<sup>۳</sup>، (۱۹۹۰: ۷-۱۷۴)، استدلال می‌کند که وضعیت اخلاقی، ارتباط ساختارها و فشار اجتماعی را در هنگام وقوع رفتار فاسد نشان می‌دهد. هر زمانی که افراد احساس می‌کنند که جامعه به طور ناعادلانه در برخی از وضعیت‌ها عمل می‌کند، (به‌عنوان مثال، محدودیت دسترسی به آموزش خوب) آنها با حالتی استرس‌زا و دیدگاهی تغییر یافته با شرایط برخورد می‌کنند. به عقیده بار (۲۰۱۰)، در چنین وضعیتی، افراد ممکن است به تغییر اهداف تعیین شده توسط جامعه و ایجاد اهداف خود با مقررات و ارزش‌های موجود، متمایل شوند. آنها احتمالاً بر این اعتقادند که این واکنش با پذیرشی درونی به تصمیمی برای شرکت در فعالیت‌های مجرمانه منتج شود؛ اما نظریه اساسی اولیه در طول زمان تغییر کرده و در نهایت منجر به شکل‌گیری یک نظریه عمومی‌تر شده است. افراد حتی در یک محیط شخصی پایدار (مثلاً با یک کار خوب و مطمئن) به‌طور بالقوه مایل به قرار دادن همه چیز در معرض خطرند و تصمیم به شرکت در فعالیت‌های مجرمانه دارند. چنین رفتاری ممکن است از یک خودپنداره متعصبانه برخاسته باشد (دیمانت و شولت، ۲۰۱۶: ۵۹). فرهنگ فساد بیان می‌کند که فراتر از تمایلات ذاتی افراد، اجزای مختلفی مانند ارزش‌ها، قوانین و هنجارهای رایج در یک جامعه است که در مورد اینکه آیا فساد به عنوان یک فاجعه

در حال رخ دادن است یا خیر، تأثیری قوی بر تصمیم فرد می‌گذارد (دیمانته و شولت، ۲۰۱۶: ۶۳). بارزترین نمونه‌های فرهنگ فساد در ورزش را می‌توان در فیفا و فدراسیون جهانی دوومیدانی ملاحظه کرد. این موارد شامل انواع اتهامات مفسدانه از جمله: گرفتن رشوه، تقلب، دست‌کاری در رأی، اخاذی و پول‌شویی است؛ که مشهورترین آنها فهرست طولانی اتهامات به فساد در فدراسیون بین‌المللی فوتبال است (گیراثرت، ۲۰۱۸: ۱۳)؛ اما بروز فساد در فدراسیون‌های ورزشی، فقط به فیفا خلاصه نمی‌شود. در سال ۲۰۱۵، فدراسیون جهانی دوومیدانی با جنجالی مشابه روبرو شد که در دو گزارش سازمان جهانی مبارزه با دوپینگ، به اخاذی، تقلب و رشوه در سطوح بالای فدراسیون جهانی دوومیدانی اشاره شده است. در این گزارش مطرح‌شده که فرهنگ فساد در «یک گروه قدرتمند» توسط رئیس سابق فدراسیون جهانی دوومیدانی، لامین دیاک، هدایت شده است کرده‌اند (کیل، ۲۰۱۸: ۵۱). با توجه به عوامل روانی تأثیرگذار بر فساد، دانشمندان علوم سیاسی و اقتصاددانان بر اهمیت هنجارهای اجتماعی درک شده و باورهای رایج در مورد رفتار دیگران تأکید می‌کنند. روانشناسان اجتماعی نیز دو نوع هنجار را تشریح کرده‌اند: توصیفی و دستوری. هنجارهای توصیفی یعنی آنچه افراد معمولاً انجام می‌دهند، به‌عنوان مثال، «اکثر مردم زباله می‌ریزند». هنجارهای دستوری یعنی آنچه مردم باید انجام دهند (کوبیس و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱: ۶۱۱)؛ هنجارهای توصیفی به عوامل فساد کمک می‌کنند تا احتمال موفقیت معاملات فسادآلود را تخمین بزنند و به‌عنوان یک معیار تصمیم‌گیری از آن بهره‌برند، ضمن آنکه اطلاعاتی را در مورد نحوه رفتار اکثر مردم در یک موقعیت خاص منتقل می‌کنند (کوبیس و همکاران، ۲۰۲۱: ۶۱۲)؛ بنابراین، هنجارهای توصیفی در مورد فساد به طور قابل توجهی نسبت به یک بافت اجتماعی معین متفاوت است، چراکه مردم باورهای متفاوتی در مورد فراوانی فساد دارند. با این حال، هنجارهای دستوری در مورد فساد با شدت کمتری در یک بافت اجتماعی مشابه، متفاوت است. مردم عمدتاً باورهای همگرایانه‌ای در مورد فساد دارند که عموماً غیراخلاقی و اشتباه است، حتی در شرایطی که فساد در آن شایع است. (آگربرگ<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲: ۹۳۷). در مجموع، فساد یک پدیده اجتماعی است که در آن، باورها و ادراکات نقش کلیدی ایفا می‌کنند. زمانی که رفتارها به یکدیگر وابسته هستند، انگیزه انجام چنین رفتاری مشروط به باورهای فرد در مورد

1. Köbis, Troost, Brandt & Soraperra

2. Agerberg

آنچه معمولاً در جامعه انجام می‌شود و یا مورد تأیید قرار می‌گیرد است. (استفنسون و شاتی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۴۶). در پژوهش حاضر نیز منظور از فرهنگ فساد، هنجارهای توصیفی رفتارهای اجتماعی است نه هنجارهای دستوری؛ بنابراین مطالعه حاضر بر آن است تا با استفاده از دیدگاه خبرگان و با بهره‌گیری از روش تصمیم‌گیری چند معیاره، به منظور توسعه و تعمیق دانسته‌های موجود، به این سؤال پاسخ دهد که روابط علی مؤلفه‌های فرهنگ فساد در ورزش کشور چگونه است؟ لذا، این پژوهش قادر خواهد بود به بسط یک الگوی جامع در دو بخش جهان بیرونی (بسترهای فسادزا در محیط) و جهان درونی (ادراکات و تغییرات شخصی) کمک کند. مؤلفه‌های احصاء شده از ادبیات و پیشینه فرهنگ فساد در جدول شماره ۱ اشاره شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌های مرتبط با فرهنگ فساد

ردیف	شاخص‌ها	توضیحات	منابع	
۱	حافظه اجتماعی (سابقه فساد)	ادراکات شخصی	حافظه تاریخی جامعه سرشار از روایت‌های مربوط به فساد شده است.	Tallentire, J. (2001)؛ John R. Gillis (1994).
۲	بهشت گمشده	محیطی	وقوع فساد در ورزش زمینه‌ساز کسب ثروت، شهرت و قدرت است.	Khil (2018)؛ Di Ronco & Lavorgna, (2015)؛ Brooks, Azeem, and Button, (2013).
۳	تحمل فساد	شخصی	تحمل فساد در بین افراد جامعه افزایش یافته است.	Erlingsson, & Kristinsson. (2019)؛ Levi, & Rothstein, (2018)؛ Chang. & Huang (2016)؛ Persson. Rothstein, & Teorell, (2013)؛ ecker. Hauser. & Kronthaler, (2013)؛ Rothstein, (2011)؛ Holmberg. Rothstein, & Nasiritousi. (2009).
۴	افشای کم‌اثر	محیطی	افشای فساد، خیلی به حیثیت افراد صدمه نمی‌زند.	Andreff, (2017)؛ Khil (2018)؛ Ehrlich, I. (1996)؛ Mitchell, Crosset, and Barr (1999).
۵	هنجارهای شخصی	شخصی	توجیه رفتارها یا تصمیمات مفسدانه به عنوان کارهای درست.	Khil (2018)

ردیف	شاخص‌ها	توضیحات	منابع
۶	حامی‌پروری (مشتری‌مداری سیاسی)	روابط حامی‌پروری پر از فرصت‌هایی برای گریز از قوانین و خیانت است.	Erturan-Ogut & Sahin (2014)؛ Henry & Nassis (1999)؛ Lee, P. (2012)؛ Stokes, S. C. (2007)؛ Kitschelt, H. 2000.
۷	رازداری عمومی	فساد فراگیر در واقع، یک راز عمومی است که برای افراد جامعه شناخته‌شده است، اما قابل بیان نیست.	Taussig (1999)؛ Radcliffe. (2008)؛ Newell (2013)؛ Numerato (2016)؛ Moriconi & DeCima (2020).
۸	هزینه پایین فساد	هزینه فساد بالا نیست.	Andreff, (2016)؛ Ehrlich, I. (1996)؛ Nagin (2013).
۹	دلیل تراشی (مقایسه فساد)	توجیه رفتارها یا تصمیمات مفسدانه به عنوان کارهای درست.	Khil (2018)؛ Andreff, W. (2016)؛ Nagin (2013).
۱۰	حساسیت‌زدایی (بی‌حسی اجتماعی)	جامعه نسبت به وقوع فساد (به دلیل تکرار وقوع آن) غیر حساس شده است.	Numerato (2016)؛ Chien, Kelly, & Weeks, (2016)؛ Ashford, B.E. and Anand, V. (2003).
۱۱	دشواری در کشف	کشف فساد آسان نیست.	Eberhard, (2014)؛ Visschers, Paoli, Deshpande, 2019؛ Ehrlich, (1996).
۱۲	فساد ادراک‌شده	میزان فساد ادراک‌شده در کل کشور بر فساد ورزشی تأثیر دارد.	Numerato (2016)؛ Getz, & Volkema, (2001).
۱۳	فراوانی فرصت‌ها	فرصت‌های درآمد نامشروع در ورزش زیاد است.	Sandholtz, W. & Taagepera, R. (2005)؛ Getz & Volkema, (2001).
۱۴	فساد عاداتی	فساد بخشی از عادات رفتاری غیرارادی شده است.	Karklins (2016).
۱۵	اثر توده‌ی بحرانی (اثر گلوله برفی)	فساد مانند یک گلوله برفی رو به افزایش بوده است (بهمن فساد).	Chang, & Lai (2002).

## ۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی تحلیلی است. عوامل این پژوهش با مروری بر ادبیات نظری و پیشینه تحقیق شناسایی و سپس با روش دلفی فازی بومی‌سازی شده که محاسبات در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. روایی پرسشنامه و روایی محتوایی توسط خبرگان تأیید گردید. پراکندگی پاسخ خبرگان نیز برای پایایی پرسشنامه حل دیمتل، به صورت چشمی کنترل شد. سپس با استفاده از روش حل مسائل از نوع مدل‌سازی ریاضی و تصمیم‌گیری چند شاخصه از نوع فازی، داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. جامعه تحقیق حاضر، ۲۳ نفر از اساتید دانشگاهی (داخلی و خارجی) است که در زمینه فساد سابقه پژوهش داشته‌اند. خبرگان بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. از نظر مرتبه علمی، دو نفر از این اساتید، استاد تمام، ۱۶ نفر دانشیار و ۵ نفر استادیار بودند.

جدول ۲: شناسایی عوامل اثرگذار در فرهنگ فساد با روش دلفی فازی

کد	شاخص‌ها	مرحله ۱	مرحله ۲	اختلاف مرحله ۱ و ۲	تأیید با رد
A1	حافظه اجتماعی (سابقه فساد)	۰,۸۶	۰,۸۸	-۰,۰۲	تأیید
A2	بهشت گمشده	۰,۸۵	۰,۸۶	-۰,۰۱	تأیید
A3	تحمل فساد	۰,۹۰	۰,۹۱	-۰,۰۱	تأیید
A4	افشای کم اثر	۰,۷۷	۰,۷۹	-۰,۰۲	تأیید
A5	هنجارهای شخصی	۰,۸۴	۰,۸۷	-۰,۰۳	تأیید
A6	حامی‌پروری (مشتری‌مداری سیاسی)	۰,۷۸	۰,۷۹	-۰,۰۱	تأیید
A7	رازداری عمومی	۰,۷۵	۰,۷۷	-۰,۰۲	تأیید
A8	هزینه پایین فساد	۰,۷۳	۰,۷۴	-۰,۰۱	تأیید
A9	دلیل تراشی (مقایسه فساد)	۰,۷۶	۰,۷۶	۰	تأیید

کد	شاخص‌ها	مرحله ۱	مرحله ۲	اختلاف مرحله ۱ و ۲	تأیید یا رد
A10	بی‌حسی اجتماعی (حساسیت‌زدایی)	۰,۷۸	۰,۷۹	-۰,۰۱	تأیید
A11	دشواری در کشف	۰,۷۷	۰,۷۷	۰	تأیید
A12	فساد ادراک‌شده	۰,۷۵	۰,۷۶	-۰,۰۱	تأیید
A13	فراوانی فرصت‌ها	۰,۸۷	۰,۹۰	-۰,۰۳	تأیید
A14	فساد عادت‌ی	۰,۸۹	۰,۹۰	-۰,۰۱	تأیید
A15	اثر توده‌ی بحرانی (اثر گلوله برفی)	۰,۸۳	۰,۸۵	-۰,۰۲	تأیید

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد در تمامی گویه‌ها صاحب‌نظران به وحدت نظر رسیده‌اند و میزان اختلاف نظر در مراحل اول و دوم کمتر از حد آستانه خیلی کم (۰/۱) بوده است. این مطلب نشان می‌دهد که اعضای گروه خبره با همه مؤلفه‌های اشاره‌شده موافق بوده‌اند و اختلاف نظر قابل‌ملاحظه‌ای در بین آنها وجود ندارد. با توجه به اینکه در دو مرحله مورد نظر صاحب‌نظران به اجماع رسیده بودند، لذا به ادامه فرایند دلفی فازی پرداخته نشد و در مرحله دوم به اتمام رسید. برای تجزیه تحلیل داده‌ها از روش ترکیبی تئوری تصمیم‌گیری چند معیاره فازی شامل: ANP بر اساس DEMATEL (دنب) استفاده شد. تکنیک دنب، رویکردهای جدیدی است که از ترکیب دو روش دیمتل با ANP به وجود می‌آید. این رویکرد با استفاده از ماتریس ارتباطات کل دیمتل، سوپرماتریس‌های ANP را تشکیل داده و به محاسبه وزن شاخص‌های پژوهش می‌پردازد. گام‌ها و مراحل روش دنب در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.





شکل ۱: گام‌های روش دنپ (منبع: هو، چن، تزنگ و لی، ۲۰۱۵: ۹)

### ۳. یافته‌ها

در این بخش ابتدا بر اساس نظر خبرگان و بر اساس طیف فازی، میزان اثرپذیری معیارها بر یکدیگر تعیین شد سپس در گام اول ارتباطات مستقیم شکل گرفت که در جدول ۳ آورده شده است. در جدول ۴ نیز ماتریس ارتباطات کامل ارائه شده است. مجموع عناصر ستون‌ها و سطرهای ماتریس T هم برای زیرمعیارها و هم عوامل اصلی آن محاسبه و به صورت بردارهای D (تأثیرگذار) و R (تأثیرپذیر) نام‌گذاری شدند. در نهایت میزان تعامل (D+R) و رابطه میان عوامل یا میزان اثرگذاری و اثرپذیری خالص (D-R) مشخص شد. عواملی که دارای D-R مثبت باشند تأثیرگذار (علت) و عواملی که D-R منفی داشته باشند تأثیرپذیر (معلول) هستند. برای زیرمعیارها نیز اثرگذاری و اثرپذیری مؤلفه‌ها تعیین گشت. در نهایت روابط علت و معلول و نقشه شبکه روابط از طریق رسم نقاطی با مختصات D+R و D-R در یک دستگاه مختصات دکارتی ترسیم شد (شکل شماره ۲) محور افقی نمودار میزان ارتباطات عوامل (D+R) و محور عمومی تأثیرگذاری-تأثیرپذیری خالص عوامل (D-R) را نشان می‌دهد.

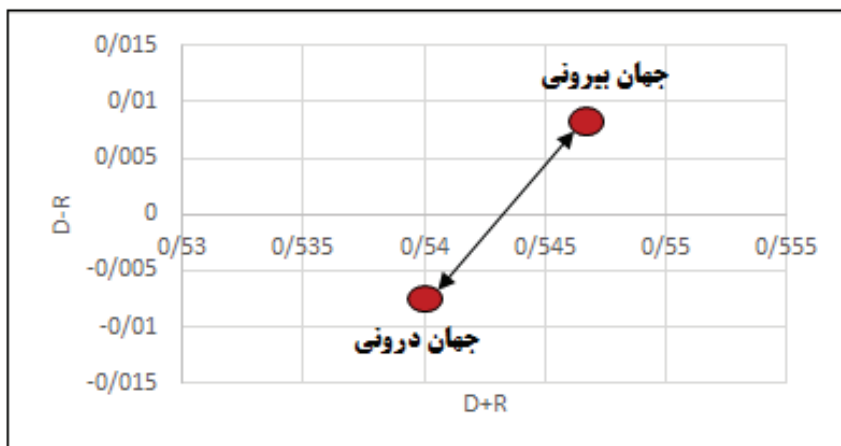
۱۳۰

جدول ۳: ماتریس ارتباطات مستقیم

	A1	A2	A3	A4	A5	A6	A7	A8	A9	A10	A11	A12	A13	A14	A15
A1	۱/۵۹۷۴۴	۰/۶۶۳۹۷	۰/۷۳۸۱۴	۰/۷۱۵۰۸۱	۰/۶۷۵۴۷	۰/۶۸۱۴۵	۰/۷۲۰۹۸۷	۰/۷۰۰۸۶۶۲	۰/۷۰۷۲۱۴	۰/۷۰۴۷۱۹	۰/۶۷۵۶۵	۰/۷۰۰۹۶۳	۰/۶۵۱۵۳۵	۰/۶۹۷۹۷	۰/۶۹۰۱۹۹
A2	۰/۷۵۹۱۹	۱/۷۳۵۹۲	۰/۸۶۶۸۵	۰/۸۴۱۶۴	۰/۸۰۰۰۸۴	۰/۷۹۱۳۴۴	۰/۸۶۹۴۹	۰/۸۴۶۶۰۳	۰/۸۵۶۸۱	۰/۸۳۴۳۸	۰/۸۰۹۸۴۷	۰/۸۲۱۶۹۶	۰/۷۶۷۲۱۸	۰/۸۵۵۲۱۴	۰/۸۵۰۹۵۱
A3	۰/۶۵۵۴۲	۰/۶۷۹۲۱۷	۱/۶۸۲۰۰۲	۰/۷۰۰۶۶۲	۰/۶۶۹۵۶۸	۰/۶۷۵۰۲۸	۰/۷۳۴۱۹	۰/۶۹۴۷۹	۰/۷۰۶۰۶۹	۰/۷۰۰۸۶۴۶	۰/۷۰۶۷۶۱	۰/۷۲۷۵۶	۰/۶۵۴۰۳۹	۰/۷۱۰۵۴۹	۰/۷۱۶۴۱۸
A4	۰/۷۶۴۷۷۴	۰/۷۹۵۲۱۳	۰/۸۴۳۸	۱/۷۷۸۶۵۵	۰/۸۰۸۴۰۶	۰/۷۸۰۷۵۸	۰/۸۵۸۹۸۴	۰/۸۱۳۵۱۵	۰/۸۴۲۴۴	۰/۸۲۱۵۷۶	۰/۸۱۳۲۷۲	۰/۸۲۴۲۵۹	۰/۷۶۴۴۴۴	۰/۸۲۲۴۷	۰/۸۱۱۶۶۴
A5	۰/۶۶۹۰۶۳	۰/۶۹۳۹۶۸	۰/۷۸۶۹۱۸	۰/۷۵۰۵۳۹	۱/۶۶۸۰۹	۰/۶۹۴۱۹۷	۰/۷۶۷۲۵۲	۰/۷۱۷۲۱۲	۰/۷۳۸۰۳۷	۰/۷۲۸۳۰۷	۰/۷۰۶۴۹۵	۰/۷۲۶۶۸	۰/۶۷۸۱۹۵	۰/۷۳۳۱۹۸	۰/۷۰۰۲۹۵
A6	۰/۷۰۴۵۶۵	۰/۷۱۸۷۳۲	۰/۷۹۵۲۴۹	۰/۷۷۱۹۹۹	۰/۷۰۴۴۵	۱/۶۵۲۸۳۹	۰/۷۷۱۷۶۲	۰/۷۴۴۵۲	۰/۷۵۳۳۸	۰/۷۴۴۶۸۶	۰/۷۵۷۱۶۷	۰/۷۳۵۲۱	۰/۶۸۲۵۰۴	۰/۷۶۹۷۷۶	۰/۷۲۸۶۵۱
A7	۰/۶۸۶۵۲	۰/۷۱۳۴۷۹	۰/۷۹۷۷۸۶	۰/۷۶۶۹۹۸	۰/۷۲۵۶۵۶	۰/۶۹۹۵۶۷	۱/۷۰۹۷۶۲	۰/۷۲۰۶۸۲	۰/۷۳۸۵۸۱	۰/۷۶۸۰۱۱	۰/۷۴۱۶۳	۰/۷۳۴۸۱۹	۰/۶۸۷۱۶۶	۰/۷۶۰۱۴۳	۰/۷۵۶۹۴۴
A8	۰/۷۹۰۵۴	۰/۷۹۱۸۵	۰/۸۵۲۴۴	۰/۸۳۱۰۴	۰/۷۹۵۲۴۲	۰/۷۸۰۶۸۴	۰/۸۶۶۳۳۶	۱/۷۵۰۹۲۵	۰/۸۴۶۲۹	۰/۸۱۱۳۲۹	۰/۷۹۷۸۵۶	۰/۸۱۷۲۶۸	۰/۷۵۹۰۶۷	۰/۸۱۸۸۲۴	۰/۸۱۲۶۸۱
A9	۰/۷۰۱۰۱۸	۰/۷۳۳۶۱	۰/۷۹۱۵۳۳	۰/۷۹۳۴۹	۰/۷۳۸۵۳۴	۰/۷۱۸۰۷۱	۰/۷۸۰۷۵۴	۱/۷۰۰۱۶	۰/۷۳۶۷۰	۰/۷۳۶۷۰	۰/۷۳۸۱۷۹	۰/۷۷۷۶۶	۰/۷۰۳۳۸۴	۰/۷۷۷۳۳۱	۰/۷۳۸۵۸۴
A10	۰/۷۳۷۸۸۴	۰/۷۵۶۹۹	۰/۸۴۴۸۷	۰/۸۰۹۷۱۴	۰/۷۶۵۰۱۶	۰/۷۵۴۳۳۳	۰/۸۲۶۹۷	۰/۸۰۳۳۹۳	۰/۷۹۷۵۵	۱/۷۳۷۱۵۷	۰/۷۵۸۰۸۷	۰/۷۷۵۹۴۷	۰/۷۳۶۳۳۳	۰/۸۰۳۶۸۴	۰/۸۰۶۸۹۹
A11	۰/۷۲۶۰۷	۰/۷۷۰۱۲۱	۰/۸۳۳۷۴	۰/۸۳۷۳۳	۰/۷۷۱۱	۰/۷۴۸۵۱۱	۰/۸۳۸۵۶۶	۰/۸۰۳۳۴	۰/۸۰۳۴۵۴	۰/۸۱۱۷۷	۱/۷۱۶۰۷۶	۰/۷۸۰۱۴۱	۰/۷۲۸۰۵۸	۰/۸۰۰۸۳۳	۰/۸۱۱۸۳۱
A12	۰/۶۹۰۱۷۳	۰/۷۲۹۸۱۴	۰/۷۸۵۸۱۶	۰/۷۵۵۱۷۲	۰/۷۳۴۶۶	۰/۷۱۸۰۶۷	۰/۷۶۶۷۷	۰/۷۶۰۶۹	۰/۷۶۰۶۹	۰/۷۶۴۴۱۳	۰/۷۳۶۶۴۴	۱/۶۹۱۶۶۸	۰/۶۹۱۶۳۳	۰/۷۷۳۲۰۴	۰/۷۴۸۵۵۲
A13	۰/۷۳۴۴۹۷	۰/۷۵۲۵۱۱	۰/۸۳۳۵۵	۰/۷۹۸۵۹۷	۰/۷۶۷۹۳	۰/۷۳۶۲۷۴	۰/۸۰۰۲۶۱	۰/۷۸۰۸۶۹	۰/۷۸۰۸۶۹	۰/۷۶۸۰۶۸	۰/۷۵۸۳۲۴	۰/۷۵۹۱۶	۱/۶۵۸۶۸	۰/۷۷۷۲۶۸	۰/۷۶۲۷۵۶
A14	۰/۷۳۴۴۹۱	۰/۷۶۶۹۸	۰/۸۱۳۳۶	۰/۸۰۸۳۴۴	۰/۷۷۵۵۹	۰/۷۶۹۰۱۲	۰/۷۹۸۶۶۵	۰/۸۸۱۷۱۸	۰/۸۰۲۰۱۴	۰/۷۸۰۵۹۶	۰/۷۸۰۴۱۹	۰/۷۷۴۴۶۳	۰/۷۱۹۳۸۴	۱/۷۳۱۲۰۹	۰/۷۷۵۹۲۵
A15	۰/۷۳۳۶۱	۰/۷۴۱۶۶۱	۰/۸۱۱۸۷۶	۰/۸۳۳۱۲۲	۰/۷۵۲۰۱۲	۰/۷۶۱۶۴۴	۰/۸۰۱۲۶۲	۰/۷۹۸۰۵۳	۰/۷۸۰۴۱۹	۰/۷۸۰۴۱۹	۰/۷۶۵۰۸۵	۰/۷۹۰۹۰۱	۰/۷۰۰۹۹۶	۰/۷۸۸۰۶۹	۱/۷۱۴۴۴۳

جدول ۴: ماتریس ارتباطات کامل (TC)

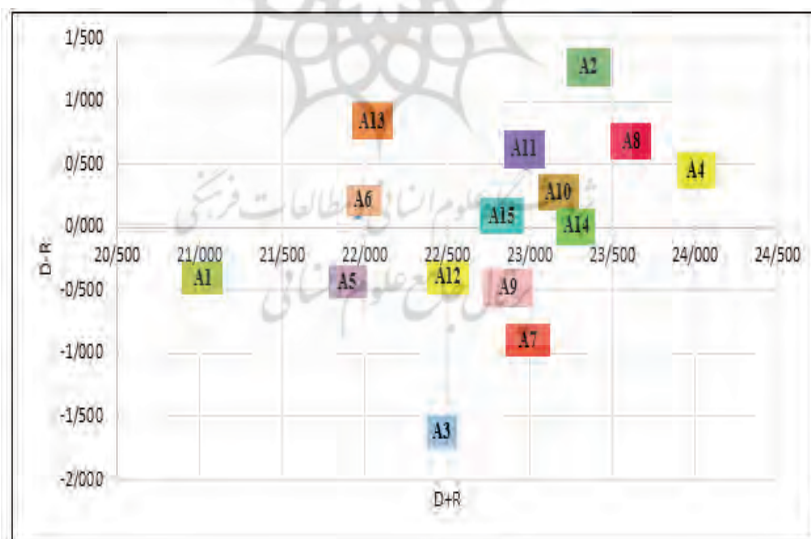
	A1	A2	A3	A4	A5	A6	A7	A8	A9	A10	A11	A12	A13	A14	A15
A1	۰/۵۹۷	۰/۶۶۴	۰/۷۳۸	۰/۷۱۵	۰/۶۷۵	۰/۶۸۱	۰/۷۲۱	۰/۷۰۹	۰/۷۰۷	۰/۷۰۵	۰/۶۷۶	۰/۷۰۱	۰/۶۵۲	۰/۶۹۵	۰/۶۹۰
A2	۰/۷۶۶	۰/۷۳۷	۰/۸۶۵	۰/۸۴۳	۰/۸۰۰	۰/۷۹۱	۰/۸۶۹	۰/۸۳۰	۰/۸۵۸	۰/۸۳۹	۰/۸۱۰	۰/۸۲۲	۰/۷۶۷	۰/۸۵۵	۰/۸۵۱
A3	۰/۶۵۷	۰/۶۷۹	۰/۶۸۲	۰/۷۰۱	۰/۶۷۰	۰/۶۷۵	۰/۷۳۴	۰/۶۹۵	۰/۷۰۶	۰/۷۰۹	۰/۷۰۷	۰/۷۲۸	۰/۶۵۴	۰/۷۱۱	۰/۷۱۶
A4	۰/۷۶۵	۰/۷۹۵	۰/۸۴۹	۰/۷۷۸	۰/۸۰۸	۰/۷۸۱	۰/۸۵۹	۰/۸۱۴	۰/۸۴۹	۰/۸۲۲	۰/۸۱۳	۰/۸۲۴	۰/۷۶۴	۰/۸۳۲	۰/۸۱۲
A5	۰/۶۶۹	۰/۶۹۴	۰/۸۸۷	۰/۷۵۱	۰/۶۴۸	۰/۶۹۴	۰/۷۶۷	۰/۷۱۷	۰/۷۳۸	۰/۷۳۸	۰/۷۰۴	۰/۷۲۵	۰/۶۷۸	۰/۷۳۳	۰/۷۰۳
A6	۰/۷۰۵	۰/۷۱۹	۰/۸۹۵	۰/۷۷۲	۰/۷۰۴	۰/۶۵۴	۰/۷۷۲	۰/۷۴۳	۰/۸۵۲	۰/۷۴۴	۰/۸۵۷	۰/۷۳۵	۰/۶۸۳	۰/۷۷۰	۰/۷۲۹
A7	۰/۶۸۵	۰/۷۱۳	۰/۸۹۸	۰/۷۶۵	۰/۷۲۶	۰/۷۰۰	۰/۷۱۰	۰/۷۲۱	۰/۷۴۹	۰/۷۶۸	۰/۷۴۲	۰/۷۳۵	۰/۶۸۷	۰/۷۶۰	۰/۷۵۷
A8	۰/۷۹۱	۰/۷۹۲	۰/۸۵۲	۰/۸۴۴	۰/۸۹۵	۰/۸۸۱	۰/۸۳۶	۰/۸۵۱	۰/۸۲۵	۰/۸۱۱	۰/۷۹۸	۰/۸۱۹	۰/۸۵۹	۰/۸۱۹	۰/۸۱۳
A9	۰/۷۰۱	۰/۷۲۳	۰/۸۹۲	۰/۷۹۳	۰/۷۲۹	۰/۷۲۸	۰/۷۸۱	۰/۷۴۱	۰/۷۰۲	۰/۷۳۳	۰/۷۳۸	۰/۷۷۸	۰/۷۰۳	۰/۷۷۷	۰/۷۳۹
A10	۰/۷۳۸	۰/۸۵۷	۰/۸۴۴	۰/۸۱۰	۰/۸۶۵	۰/۸۵۵	۰/۸۲۷	۰/۸۰۲	۰/۸۹۷	۰/۸۲۷	۰/۸۵۸	۰/۸۷۶	۰/۸۲۶	۰/۸۰۴	۰/۸۰۵
A11	۰/۷۲۷	۰/۷۷۰	۰/۸۳۳	۰/۸۲۸	۰/۷۷۱	۰/۸۴۹	۰/۸۳۹	۰/۸۰۳	۰/۸۰۴	۰/۸۸۲	۰/۸۱۶	۰/۸۸۰	۰/۸۲۸	۰/۸۰۱	۰/۸۱۲
A12	۰/۶۹۰	۰/۷۳۰	۰/۸۹۶	۰/۸۶۵	۰/۸۳۵	۰/۸۱۸	۰/۸۶۹	۰/۸۶۷	۰/۸۶۴	۰/۸۶۲	۰/۸۳۵	۰/۶۹۲	۰/۶۹۸	۰/۷۷۲	۰/۷۴۹
A13	۰/۸۲۴	۰/۸۵۳	۰/۸۲۴	۰/۸۹۹	۰/۸۶۷	۰/۸۳۶	۰/۸۰۴	۰/۸۸۰	۰/۸۸۱	۰/۸۶۸	۰/۸۵۸	۰/۸۵۹	۰/۶۵۹	۰/۷۷۷	۰/۸۶۳
A14	۰/۷۲۲	۰/۷۶۸	۰/۸۱۳	۰/۸۰۸	۰/۷۷۶	۰/۸۴۹	۰/۸۹۹	۰/۸۸۷	۰/۸۰۲	۰/۸۸۱	۰/۷۸۰	۰/۷۷۴	۰/۷۱۹	۰/۷۳۱	۰/۷۷۶
A15	۰/۷۱۴	۰/۷۴۲	۰/۸۱۲	۰/۸۳۳	۰/۸۵۲	۰/۸۴۲	۰/۸۰۱	۰/۸۹۸	۰/۸۸۹	۰/۸۸۰	۰/۸۴۵	۰/۷۹۱	۰/۷۱۰	۰/۷۸۸	۰/۷۱۲



۱۳۳

شکل ۲: نمودار علی-معلولی شاخص‌های اصلی فرهنگ فساد در ورزش

مطابق نتایج روابط علی-معلولی، شاخص‌های جهان بیرونی (عوامل محیطی) به عنوان شاخص‌های اثرگذار (علت) و شاخص‌های جهان درونی (عوامل شخصی) به عنوان شاخص‌های اثرپذیر (معلول) معرفی شدند. نتایج زیرمعیارها در شکل شماره ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳: نمودار علی-معلولی شاخص‌های فرهنگ فساد ورزشی

مطابق نتایج به دست آمده که در شکل ۲ و ۳ نشان داده شده است، شاخص بهشت گمشده (A2) به عنوان اثرگذارترین شاخص شناسایی شد. این شاخص بیانگر انگیزه‌هایی است که از طرق غیرقانونی برای کسب ثروت، شهرت و قدرت به کار گرفته می‌شود. در مرتبه‌های بعدی به ترتیب، شاخص‌های فراوانی فرصت‌ها، هزینه پایین فساد، دشواری در کشف، افشای کم اثر، حساسیت‌زدایی، حامی پروری، اثر توده بحرانی و فساد عادت‌ی به عنوان شاخص‌های اثرگذار (عوامل محیطی) معرفی شدند. از طرفی، در میان عوامل شخصی، به ترتیب: شاخص‌های تحمل فساد (A3)، رازداری عمومی، دلیل تراشی، هنجارهای شخصی، حافظه اجتماعی و فساد ادراک شده به عنوان اثرپذیر معیارها شناخته شدند. مقادیر D و R در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵: مقادیر D و R مؤلفه‌های پژوهش

	D	R	D+R	D-R
A1	۱۰/۳۲۶	۱۰/۶۵۰	۲۰/۹۷۶	-۰/۳۲۳
A2	۱۲/۳۰۳	۱۱/۰۳۶	۲۳/۳۳۹	۱/۲۶۷
A3	۱۰/۴۲۲	۱۲/۰۶۰	۲۲/۴۸۲	-۱/۶۳۸
A4	۱۲/۱۶۷	۱۱/۷۸۵	۲۳/۹۵۲	۰/۳۸۲
A5	۱۰/۷۴۷	۱۱/۱۲۱	۲۱/۸۶۸	-۰/۳۷۴
A6	۱۱/۰۳۳	۱۰/۹۲۳	۲۱/۹۵۶	۰/۱۱۰
A7	۱۰/۹۹۴	۱۱/۸۸۸	۲۲/۸۸۲	-۰/۸۹۴
A8	۱۲/۰۷۶	۱۱/۴۵۸	۲۳/۵۳۳	۰/۶۱۸
A9	۱۱/۱۴۷	۱۱/۶۰۴	۲۲/۷۵۱	-۰/۴۵۷
A10	۱۱/۶۸۲	۱۱/۴۶۹	۲۳/۱۵۰	۰/۲۱۳
A11	۱۱/۷۴۱	۱۱/۲۳۷	۲۲/۹۷۹	۰/۵۰۴
A12	۱۱/۱۴۲	۱۱/۴۳۸	۲۲/۵۸۰	-۰/۲۹۶
A13	۱۱/۴۵۲	۱۰/۵۹۸	۲۲/۰۵۰	۰/۸۵۳
A14	۱۱/۵۸۷	۱۱/۶۲۶	۲۳/۲۱۲	-۰/۰۳۹
A15	۱۱/۵۰۰	۱۱/۴۲۵	۲۲/۹۲۵	۰/۰۷۴

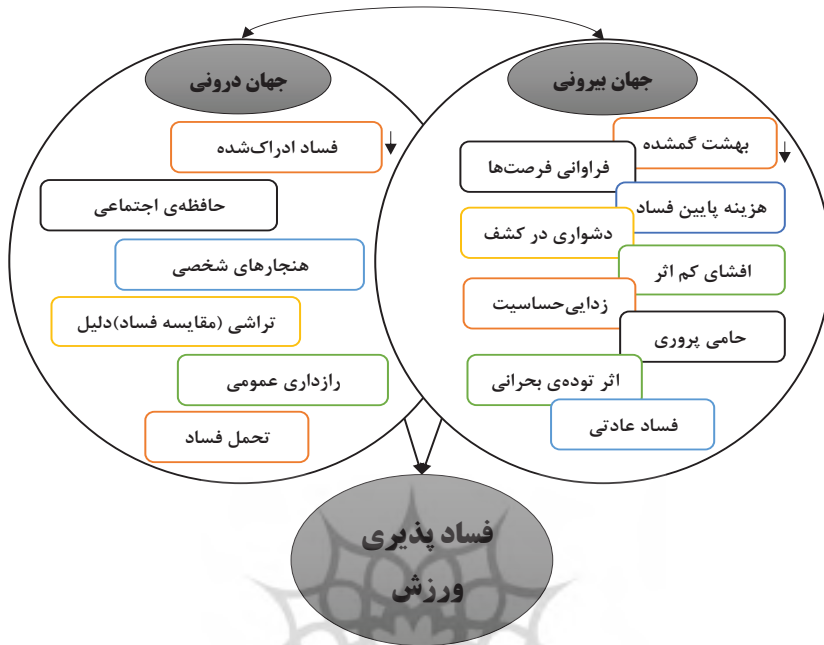
### استخراج اوزان و اولویت‌بندی عوامل

در این گام اوزانی را که از سوپرماتریس حددار استخراج شده است تبدیل به عدد قطعی می‌کنیم، وزن معیار اصلی نیز از جمع اوزان زیرمعیارهایش حاصل می‌شود. نتایج در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶: نتایج اولویت‌بندی معیارها بر اساس وزن نهایی هر شاخص

رتبه	وزن معیارها	کد
۱۴	۰/۰۶۲۵۱	A1
۱۲	۰/۰۶۴۸۳	A2
۱	۰/۰۷۰۷۷	A3
۳	۰/۰۶۹۱۹	A4
۱۱	۰/۰۶۵۲۷	A5
۱۳	۰/۰۶۴۱۴	A6
۲	۰/۰۶۹۷۶	A7
۷	۰/۰۶۷۲۷	A8
۵	۰/۰۶۸۰۹	A9
۶	۰/۰۶۷۳۶	A10
۱۰	۰/۰۶۶۰۲	A11
۸	۰/۰۶۷۱۹	A12
۱۵	۰/۰۶۲۲۶	A13
۴	۰/۰۶۸۲۶	A14
۹	۰/۰۶۷۰۸	A15

نتایج اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر فرهنگ فساد ورزشی در این بررسی نشان داد که شاخص تحمل فساد با وزن (۰/۰۷۰۷۷) و همچنین شاخص رازداری عمومی با وزن نهایی (۰/۰۶۹۷۶) بالاترین وزن نهایی را به خود اختصاص داده‌اند.



شکل ۴: مدل نهایی تحقیق

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، تحلیل روابط علی مؤلفه‌های فرهنگ فساد در ورزش کشور بود. برای تجزیه تحلیل معیارهای احصا شده، با استفاده از تکنیک دنپ فازی، ابتدا به ارزیابی عوامل پژوهش با استفاده از رویکرد دیمتل فازی پرداخته شد و سپس معیارها و زیرمعیارها پژوهش با استفاده از روش ANP فازی رتبه‌بندی شدند. نتایج روابط علی- اثرگذار (علت) شناخته شدند. از این بین، شاخص بهشت گمشده، فراوانی فرصت‌های فساد و هزینه پایین مشارکت در فساد، به ترتیب اثرگذارترین بودند و از سوی دیگر در میان معیارهای جهان درونی (معلول) که شامل ۶ شاخص می‌شود، تحمل فساد و رازداری عمومی به عنوان اثرپذیرترین معیارها شناخته شدند. همچنین نتایج اوزان مؤلفه‌ها نشان داد که تحمل فساد (A3) و رازداری عمومی (A7) به ترتیب بیشترین وزن را در میان تمامی معیارها دارا بودند. در ادامه شاخص‌های جهان بیرونی و درونی شرح داده می‌شود.



## الف. شاخص‌های جهان بیرونی

۱. بهشت گمشده (کسب ثروت و قدرت): وقوع فساد در ورزش زمینه‌ساز کسب ثروت و قدرت است (کیل، ۲۰۱۸: ۴۷). پول‌سازی‌های هنگفت در جریان تجاری شدن ورزش، تمایل به فعالیت‌های مفسدانه برای کسب ثروت و قدرت از این طریق را افزایش داده است. موارد افشاشده از فساد در ورزش، به قله کوه یخی تشبیه می‌شود (فارست<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲، ۱۱۲)، نمونه‌های رایج فساد در ورزش شامل فساد شبکه‌ای، دست‌کاری نتایج، پول‌شویی، رشوه، دوپینگ، اخذی و شرط‌بندی می‌شود (فیلیپو، ۲۰۱۹؛ کیل ۲۰۱۸؛ آندرف<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷؛ بل، تن‌هاو و لاجس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶؛ گورس و چادویک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). به طور مثال فارست (۲۰۱۲)، بیان کرد که یک کمیته ویژه پارلمان اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ در زمینه «جنایت سازمان‌یافته، فساد و پول‌شویی» خطر نشان کرده است که تقلب در ورزش به دلیل درآمدهای نسبتاً زیاد و مجازات کم برای جرائم سازمان‌یافته جذابیت دارد و سازمان‌های جنایی نفوذ عمیقی در ورزش فوتبال داشته‌اند. علاوه بر مقاصد مالی و تمایل به ثروت‌اندوزی از طریق فساد در ورزش، استفاده ابزاری از ورزش برای مقاصد سیاسی و کسب قدرت نیز بسیار رایج شده است. امروزه از ورزش به عنوان ابزاری برای ترویج اعتبار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطوح جهانی استفاده می‌شود و به رژیم‌های نظامی و دیکتاتوری مشروعیت می‌دهد. این فساد ورزشی در هیچ جایی بیشتر از استفاده سیستمی از دوپینگ ورزشکاران ملی طراز اول نمود ندارد. نمونه مهم این اتفاق را می‌توان در مسابقات جام جهانی دوومیدانی مشاهده کرد، جایی که گزارش وادا نشان داد که لامین دیاک (رئیس سابق اتحادیه بین‌المللی فدراسیون‌های دوومیدانی) که از دوستان پوتین (رئیس‌جمهور روسیه) بود، چطور عامدانه موارد مشکوک به دوپینگ ورزشکاران روسی را مسکوت گذاشت و اجازه داد ورزشکاران آلوده روسی شرکت کنند و نتایج مسابقات را تغییر دهند (گیراثرت، ۲۰۱۶).

۲. فراوانی فرصت‌های فساد: فرصت‌های درآمد نامشروع در ورزش زیاد است (کیل، ۲۰۱۸: ۴). گیراثرت، (۲۰۱۶)، با تجزیه و تحلیل‌هایی در رابطه با فرصت‌های متعدد فساد در سطح کلان و بین‌المللی، گزارشی را از چگونگی فاسدشدن نهادهای حاکم بر ورزش ملی

1. Forrest  
2. Andreff  
3. Bell, Ten Have & Lauchs  
4. Gorse & Chadwick

و بین‌المللی ارائه کرد. گیراثرت به طور خاص، توضیح می‌دهد که چگونه روندهای غالب تجاری‌سازی و ایزاری کردن ورزش توسط سیاست، احتمال بروز فساد در فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی را افزایش می‌دهد. این دو موضوع در ترکیب با فرهنگ‌های سازمانی فاسد و شیوه‌های حاکمیتی ضعیف، فرصت‌هایی را برای بروز فساد فراهم می‌کنند. علاوه بر این، هنجارها و شیوه‌های فرهنگی نهادهای ورزشی فاسد، به سرعت نهادینه می‌شوند، زیرا کشورهای فاسد در فضایی قرار دارند که از مصونیت نسبی و معافیت از مجازات برخوردار شده‌اند. گیراثرت (۲۰۱۵)، معتقد است که کاهش فرصت‌های افراد برای ارتکاب کلاهبرداری یا گرفتن رشوه، مؤثرترین استراتژی برای غلبه بر فساد در صندوق‌های بین‌المللی پول است. به نظر کیل (۲۰۱۸)، تجاری‌سازی ورزش یکی از اصلی‌ترین دلایل افزایش فرصت‌های وقوع فساد در ورزش محلی، ملی و بین‌المللی است. منتقدان استدلال می‌کنند که شیوه‌های حکمرانی سازمان‌های ورزشی، برای رسیدگی به نیروهای مختلف (جنایت سازمان‌یافته بین‌المللی، ناتوانی مقامات ورزشی در تشخیص جدید و وجود فساد) و تاکتیک‌ها (رشوه دادن به افراد، بهره‌برداری از شرط‌بندی بین‌المللی آنلاین و زنده، پول‌شویی) که برای شرکت در اعمال مختلف فساد (مانند تباری بازی و دوپینگ) استفاده می‌شود، مناسب نیست.

۳. هزینه پایین مشارکت در فساد: فرهنگ کلی در یک کشور می‌تواند بر تصمیمات فردی برای شرکت در رفتار فاسد تأثیر بگذارد. اینکه آیا در برابر رفتارهای فاسد تسلیم شویم یا نه، مبتنی بر یک فرآیند تصمیم‌گیری است که در آن افراد سعی می‌کنند تا از ابزار موجود خود حداکثر استفاده را کنند. این با ارزش‌گذاری مزایای مورد انتظار در برابر هزینه‌های مورد انتظار رفتار فاسد از جمله هزینه‌های فرصت و خطر، گرفتار شدن یا مجازات ناشی از عمل، انجام می‌شود. اگرچه محاسبه هزینه‌های فرصت و خطر مطمئناً برای هر یک از طرفین درگیر متفاوت است، اما فرایند تصمیم‌گیری برای هر دو مشابه است. (ناگین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). «هزینه-فرصت»، عبارت است از سودی که یک فرد می‌تواند دریافت کند اما از آن صرف‌نظر می‌کند تا نقشه دیگری را اجرا کند. درواقع، هزینه فرصت زمانی است که بابت انجام یک کار، فرصت اجرای ایده‌های دیگر را از دست می‌دهیم. در این میان، هر زمان که فرد وقت خود را صرف انجام کار مجرمانه می‌کند، زمان کمتری برای فعالیت‌های قانونی در دسترس دارد؛ بنابراین، هزینه‌های فرصت، میزان درآمدی را

نشان می‌دهد که برای حضور در این اعمال جایگزین می‌شود. «محاسبه خطر»، یک روش منطقی برای تعیین اندازه خطرات و بررسی پیامدهای بالقوه ناشی از حوادث احتمالی است و بیانگر در نظر گرفتن خطر گرفتار شدن یا مجازات شدن است. اقدامات خاص معمولاً کمتر مشاهده می‌شوند و به‌ندرت تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند، همین مسئله ارزیابی ریسک فردی را به دنبال دارد (دیمانت و شولت، ۲۰۱۶). تئوری انتخاب تبیین می‌کند که ما به عنوان یک انسان برای دست یافتن به آنچه می‌خواهیم، چگونه رفتارمان را انتخاب می‌کنیم. بر اساس این تئوری تمامی آنچه ما انجام می‌دهیم یک رفتار است و نیز اینکه همه رفتارها عمدی بوده و از درون ما برانگیخته می‌شوند. این برخلاف نظر صاحب‌نظرانی است که می‌گویند ما در دنیایی از کنترل بیرونی به سر می‌بریم و توسط عوامل بیرونی برانگیخته می‌شویم. با این حال، اغلب با رفتارهای غیراخلاقی، فراتر از تصمیمی منطقی برخورد و تصریح‌شده است (گیجرنزر و سلتن، ۲۰۰۲). رویکرد انتخاب منطقی خالص، هرچند که محاسبات را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما هیچ جایگاهی برای نزاع‌های اخلاقی ایجاد نمی‌کند.

۴. دشواری کشف فساد: فساد و تقلب در ورزش چیز تازه‌ای نیست (کیل، ۲۰۱۸)، اما بسسترهای اجتماعی و سیاسی وقوع فساد و تقلب در ورزش تغییر کرده است (بروکس و لاورگنا، ۲۰۱۷). ماهیت پنهان فساد شرایط کشف آن را دشوار ساخته است (مونته‌ورد، ۲۰۲۱). هر زمان که سخن از فساد پنهان می‌شود، عمدتاً از مفهومی صحبت می‌کنیم که در موقعیت‌ها، رویدادها و تجربه‌های واقعی زندگی وجود دارد، ولی مشاهده و پیگرد قانونی آنها دشوار است (اوسیفو، ۲۰۱۸). ثروت‌اندوزی، پول‌شویی گسترده و کسب منفعت از طریق رفتارهای مفسدانه در فقدان حسابرسی و گسترش ناکارآمد قضایی، نمود بیشتری پیدا کرده است. این ناکارآمدی و ابهام در مجازات، به وقوع مجدد فساد منجر می‌شود. لذا اگرچه موارد به ظاهر آشکاری از فساد وجود دارد، اما این موضوع، هنگام افشای عملکردهای درونی سازمان‌های ورزش با عقب‌نشینی‌های قابل توجهی همراه بوده است. به‌عنوان مثال، اعضای فیفا درباره افشا یا عدم افشای یک گزارش تحقیقاتی ۴۳۰ صفحه‌ای در مورد اتهامات فساد و تبانی مرتبط با فرآیندهای مناقصه جام جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ بحث کردند، در نهایت حوزه علمیه دانشگاه کلرادو تصمیم گرفت فقط یک گزارش قانونی

کوتاه‌تر منتشر کند(هنه، ۲۰۱۵). فارست و سیمونز (۲۰۰۴)، برای درک بهتر اینکه چه زمانی ورزشکار به انواع تبانی در مسابقه روی می‌آورد، از مدل ریچ (۱۹۹۶)، استفاده کردند. مؤلفه‌های اصلی این مدل عبارت‌اند از احتمال افشاء، احتمال موفقیت تبانی در مسابقه، ثروت فعلی ورزشکار، سود بالقوه ورزشکار در صورت موفقیت تبانی، مجازات مالی در صورت افشاء و خدشه به شهرت ورزشکار در صورت افشاء. آنها به این نتیجه رسیدند که یک ورزشکار در صورتی در تبانی مشارکت می‌کند که منافع مورد انتظار بر هزینه‌های مورد انتظار سنگینی کند. در واقع، فرد فاسد زمانی خود را آلوده فعالیت‌های مفسدانه می‌کند که به سهولت برتری منافع بر مجازات ناشی از آن را درک کرده باشد.

۵. افشای کم اثر فساد: افشای فساد، خیلی به حیثیت افراد صدمه نمی‌زند (الریچ، ۱۹۹۶). یکی از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین اقدامات برای جلوگیری از روند فزاینده وقوع فساد، ایجاد سازوکارهای سخت‌گیرانه برای مجازات مفسدان و همچنین، برنامه‌ریزی برای ترغیب افراد به پیروی از قوانین ضد فساد است. بیشتر فعالیت‌ها در زمینه پیروی، در واقع فضیلت‌های قیاس دوران کودکی، یعنی «هوچی» و «چماق» را تمجید می‌کند. به کسانی که به شیوه‌ای خاص رفتار می‌کنند «هوچی» معروف را جایزه دهید و کسانی را که این کار را نمی‌کنند با «چماق» معروف تنبیه کنید (کیل، ۲۰۱۸: ۱۴۵). میچل، کروسست و بار<sup>۱</sup> (۱۹۹۹)، شش استراتژی برای ترغیب به پیروی از قوانین ضد فساد معرفی کردند: الف) تنبیهی، ب) پاداشی، ج) بازدارنده، د) تولیدی، ه) شناختی و ر) هنجاری. رابرتز و بولتون (۲۰۱۰)، نیز در مطالعه‌ای، با تکیه بر چارچوب پیروی از قوانین ضد فساد میچل، کروسست و بار (۱۹۹۹)، در مورد استراتژی‌های تنبیهی تقویت‌شده برای رسیدگی به فساد توسط مقامات فدراسیون بین‌المللی ورزش بحث کردند.

۶. حساسیت‌زدایی (بی‌حسی اجتماعی): عمل قبیح، عمل خلافی است که بیشتر از نظر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی یا اخلاق جمعی منفی تلقی می‌شود، اگر این عمل قبیح، با نظر مردم، موازین اخلاقی، ارزش‌های جمعی و قانون رسمی مغایرت داشته باشد، تحملش در جامعه کمتر می‌شود. در چنین شرایطی، گاهی فساد در جامعه به یک ارزش تبدیل می‌شود و مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ بنابراین، مردم به جای اینکه به عنوان مهارکننده فساد عمل کنند، به وقوع آن دامن می‌زنند. لذا قبح فساد (مسئله فساد در میان مردم زشت و ناپسند باشد)، می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر فساد عمل

کند، زیرا مردم در مقام یک ناظر ظاهر می‌شوند و در کنار سیستم‌های حقوقی و قضایی، یک نقش مکمل را ایفا می‌کنند (منصوری، حسینی قمی و مصلحتی، ۱۳۹۷: ۱۱۸). اشفورد و آناند، (۲۰۰۳)، استدلال می‌کنند که سه فرآیند تقویت‌کننده متقابل، زیربنای عادی‌سازی فساد هستند: (۱) نهادینه‌سازی که در آن یک تصمیم یا اقدام فاسد اولیه در ساختارها و فرآیندها تعبیه می‌شود و در نتیجه عادی می‌شود. (۲) عقلانی‌سازی، جایی که ایدئولوژی‌های خودخواهانه برای توجیه و شاید حتی ارزش‌گذاری فساد توسعه می‌یابند؛ و (۳) جامعه‌پذیری، جایی که تازه واردان ساده لوح، ترغیب می‌شوند که فساد را (در حالی که مطلوب نیست)، جایز بدانند. مدل اشفورد و آناند کمک می‌کند تا توضیح دهد که چگونه افرادی که از نظر اخلاقی درستکارند، می‌توانند بدون تجربه درگیری در فساد، در آن شرکت کنند؛ چگونه فساد می‌تواند علیرغم جابجایی دست‌اندرکاران اولیه‌اش، ادامه یابد؛ و چگونه سازمان‌های به ظاهر منطقی می‌توانند در فسادهای ویرانگر شرکت کنند.

**۷. حامی‌پروری (مشتري‌گرایی سیاسی):** روابط حامی و پیرو، ما را با یک تناقض مواجه می‌کند. تناقضی که از روابط دوگانه‌ای شکل می‌گیرد و شامل بازیگران نابرابری مانند برده و ارباب، رعیت و پادشاه، مستأجر و مالک، کارگر و مدیر، رأی‌دهنده و رئیس حزب می‌شود که وارد رابطه‌ای می‌شوند که هم داوطلبانه و هم از نقطه‌نظر اعضای کم‌قدرت، استثمارگرانه است (استوکس، ۲۰۰۷: ۵۵). به نقل از کیچلت (۲۰۰۰: ۸۴۹)، حامی‌پروری «شامل تعامل متقابل، اراده‌گرایی و همچنین استثمار و سلطه است». روابط مشتری‌مداری پر از فرصت‌هایی برای فرار و خیانت است. گولدنر (۱۹۶۰: ۱۷۱)، ادعا کرد که «هنجار اخلاقی متقابل»، جهانی است که دو خواسته را مطرح می‌کند: «۱- مردم باید به کسانی که به آنها کمک کرده‌اند، کمک کنند و ۲- مردم نباید به کسانی که به آنها کمک کرده‌اند، آسیب بزنند». تحت حامی‌پروری، اعضای برتر زوجها، با دادن هدایای تشریفاتی به افراد پایین‌تر خود، هنجار رفتار متقابل را تقویت می‌کنند. این هدایا، خودبه‌خود این احساس را ایجاد می‌کند که هدیه باید متقابل باشد. اسکات (۱۹۷۲: ۹۴)، معتقد است از نظر هنجاری و روان‌شناختی، در روابطی که شخصی و مستمر هستند، زوج حامی-مشتری ارتباطشان به صورت شخصی و چهره به چهره متمایز می‌شود. الگوی رابطه متقابل و مستمر که پیوند حامی و پیرو را ایجاد و مستحکم می‌کند، اغلب باعث ایجاد اعتماد و محبت بین شرکا می‌شود. وقتی پیرو به وام کوچکی نیاز دارد یا کسی که برای او نزد مقامات شفاعت کند، می‌داند که می‌تواند به حامی خود تکیه کند. حامی

نیز به نوبه خود می‌داند که «افرادش» در صورت نیاز به او در طرح‌هایش کمک خواهند کرد. علاوه بر این، انتظارات متقابل شرکا توسط ارزش‌ها و آیین‌های جامعه پشتیبانی می‌شود. در حوزه ورزش، دست‌کاری سیاسی فدراسیون‌های ورزشی را می‌توان با مفهوم حامی پروری مرتبط دانست (ارتوران اوغوت و شاهین، ۲۰۱۴: ۵۵۶-۷). دخالت قدرت و نظام‌های سیاسی در فدراسیون‌های ورزشی در بسیاری از کشورهای جهان امری معمول است. در اکثر کشورهایی که دولت به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر بودجه ورزش نظارت و کنترل دارد، موظف است این مسئولیت‌ها را به صورت شفاف و در راستای قوانین و مقررات تعیین‌شده انجام دهد. با این حال، در برخی کشورها، زمانی که حزب حاکم تغییر می‌کند، تغییرات لازم در وزارتخانه‌ها به احتمال زیاد با تغییر پست‌های مدیریتی در سازمان‌های ورزشی دولتی همراه خواهد بود. این سازمان‌دهی مجدد بدنه‌ها و مؤسسات ورزشی ممکن است منجر به تغییر سیاست نیز شود. در برخی کشورها، این روند در سطح محلی تشدید می‌شود، جایی که باشگاه‌های ورزشی که در انتخابات ریاست فدراسیون‌های ورزشی صاحب رأی‌اند، قدرت جمع‌آوری آراء برای یک نامزد منتخب را دارند (ارتوران اوغوت و شاهین، ۲۰۱۴: ۵۵۶-۷). ارتوران اوغوت و شاهین، (۲۰۱۴)، در پژوهش خود وجود شبکه‌های حامی پروری در ورزش ترکیه را در سه سطح تأیید کردند. در سطح مدیریتی، روند انتخاب رؤسای فدراسیون‌ها و اعضای هیئت‌مدیره به شدت توسط سیاستمداران دست‌کاری می‌شود به طوری که «مردم خودشان» برای دریافت جایگاه در مدیریت موردحمایت قرار می‌گیرند. در سطح عملیاتی، رویدادها و تصمیمات خاص در سطح فدراسیون (برای تأمین منافع سیاستمداران) تحت تأثیر قدرت سیاسی قرار می‌گیرند. در نهایت، در سطح مالی، تخصیص بودجه و سهولت دسترسی به بودجه ممکن است به نفع فدراسیون‌های «پیرو» که موردحمایت سیاسی‌اند، باشد. هنری و ناسیس (۱۹۹۹)، در مطالعه خود در مورد یونان بین سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۳، وجود روابط حامی‌پرورانه را به ویژه در فرآیندهای مالی فدراسیون‌های ورزشی نشان دادند. نومراتو، (۲۰۰۹)، نوع سیاسی حامی‌پروری را شکلی از حمایت ورزشی دانست و ادعا کرد که برخی از سهامداران در ورزش، طرفدار روابط نزدیک با نمایندگان سیاسی در جمهوری چک هستند. گیرگینوف (۲۰۰۹) نیز در بررسی خود دریافت که حامی‌پروری در سیستم ورزشی بلغارستان وجود دارد و فعالیت‌های حمایت‌گراانه خاصی از جمله در میان شخصیت‌های سیاسی و در ارتباط با ساخت تأسیسات ورزشی وجود دارد. گیرگینوف

و ساندانسکی (۲۰۰۸)، بیان کردند که از طریق مشروعیت بخشیدن به فدراسیون‌های ملی و مقابله با اثرات منفی نظام، برخی از وزرا رئیس فدراسیون‌های ملی خود شدند.

۸. اثر توده بحرانی (اثر گلوله برفی): اثر گلوله برفی از نظر استعاره‌ای، فرایندی است که چیزی از حالت اولیه کوچک یا کم‌اهمیت خود به چیزی بزرگ‌تر و (مهم‌تر و جدی‌تر) و همچنین شاید به‌طور بالقوه خطرناک‌تر یا مصیبت‌بارتر تبدیل شود. استفاده از این استعاره از آنجا معمول شده است که وقتی یک گلوله برف کوچک در دامنه‌ای پوشیده از برف می‌لغزد، مقدار بیشتری برف به خود جذب کرده و همچنان که به پایین می‌غلطد باز برف بیشتری جذب کرده و بیش‌ازپیش بزرگ‌تر و سنگین‌تر می‌شود. چانگ و لای (۲۰۰۲)، در مطالعه خود تصریح کردند که فساد همه‌گیر، تمایل به ایجاد یک اثر توده بحرانی - اثر گلوله برفی - دارد تا اثر فساد را تشدید کند. این اثر تشدید شده، به دلیل ماهیت گلوله برفی هنجارهای اجتماعی، ممکن است اثر مشوق‌های بازدارنده از فساد را خنثی کند. نمونه اثر گلوله برفی در فساد ورزشی را می‌توان در لیگ‌های فوتبال مشاهده کرد؛ جایی که آغاز نمونه‌های فساد در سطوح حرفه‌ای و لیگ‌های برتر رقم می‌خورد؛ این پدیده با نفوذ به رده‌ها یا لیگ‌های پایین‌تر، به مراتب بیشتر، جدی‌تر و شدیدتر می‌شود.

۹. فساد عادی: فساد، زمانی که به شکل همه‌گیر درآید، به طور مؤثری به اعمال مفسدانه در همه سطوح مشروعیت می‌بخشد. این پدیده در مقیاس‌های کوچک، فوری‌ترین اثرات را برجا می‌گذارد و آن قدر رایج می‌شود که به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره و همچنین به یک عادت رفتاری تبدیل می‌شود. در حالی که بیشتر مردم در سطوح پایین جامعه از طریق پذیرش ضمنی و اعمال تبعیت، با فساد ارتباط برقرار می‌کنند، پیامدهای عملی آن در روابط و خدمات اجتماعی، شدیدتر می‌شود (توتن و پیکاردو، ۲۰۱۸: ۵۴۱). آلوکو (۲۰۰۲) در پژوهشی به طور انتقادی راه‌های مختلفی را که از طریق آن فساد عادی در نیجریه نهادینه شده بود و تأثیرات بعدی آن بر فرهنگ و رفتار سیاسی و همچنین پیامدهای آن بر توسعه را بررسی کرد. این مقاله این فرض را مطرح کرد که نهادینه شدن فساد منجر به تغییر کلی در نظام ارزشی و هنجارهای رفتاری در یک جامعه می‌شود. آلوکو اظهار داشت که فساد را باید تا حد زیادی به عنوان یک مشکل اجتماعی دید و به‌هیچ‌عنوان صرفاً برگرفته‌شده از تمایلات فردی نیست. این مطالعه برای گریز از چنین بحرانی، تربیت درست، بسیج اجتماعی، روشنگری و حساس ساختن شهروندان نسبت به سنت صداقت، تعالی، راستی، سخت‌کوشی، درستکاری، شرافت، خوش‌نامی و



سایر فضایل اخلاقی را که منجر به حفظ جامعه شود پیشنهاد می‌دهد. یکی از مصادیق بارز نهادینه شدن فساد ورزشی در جامعه، رشد چشمگیر شرط‌بندی است. علیرغم رشد وحشتناک شرط‌بندی در ورزش، تحقیقات محدودی در مورد فساد عادت‌ی، افراد درگیر در ورزش حرفه‌ای مانند ورزشکاران، مربیان و مقامات وجود دارد (لاسترا و باند، ۲۰۱۶: ۶۵).

### ب. شاخص‌های جهان درونی

نتایج روابط علی معلولی این پژوهش نشان داد که شاخص‌های جهان درونی (۶ شاخص ذیل) به عنوان عوامل اثرپذیر (معلول) تحت تأثیر معیارهای جهانی بیرونی (علت) هستند و در عین حال، به نوبه خود بر رشد فساد مؤثرند.

۱. فساد ادراک‌شده: شاخص فساد ادراک‌شده، به میزان ذهنیت و تصویری که جامعه نسبت به فساد در بخش عمومی دارد، اشاره می‌کند (شفافیت بین‌الملل، ۲۰۱۱). گری کار (۲۰۱۳)، در مطالعه‌ای بر روی ادراکات و برداشت‌های عمومی از فساد، منطقه ویکتوریای استرالیا را مورد بررسی قرار داد. نتایج این مطالعه نشان داد که احساسی قوی در میان اهالی ویکتوریا وجود دارد که فساد در حال افزایش است، اما کارمندان دولت افزایش فساد را به اندازه عموم مردم درک نمی‌کردند. کمتر از نیمی از کارمندان، شبیه به عموم مردم فکر می‌کردند (که فساد در ویکتوریا افزایش یافته است). استاتوپولو و همکاران، (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به بررسی ادراک مردم از فساد در ورزش پرداخت. این مطالعه نشان داد که چگونه هنجارهای اجتماعی رایج در رابطه با فساد در یک کشور می‌تواند رفتار تماشاگران را تقویت یا تضعیف کند. نظرسنجی از ۱۰۰۵ تماشاگر ورزشی از چهار کشور آفریقای جنوبی نشان داد که چگونه فساد ادراک‌شده می‌تواند باعث تشویق یا دلسردی حضور در ورزش در شرایط مختلف شود. فساد از دریچه‌های نظری ماهیت کثرت‌گرایانه اخلاق بررسی می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزش‌های خاص مرتبط با تعهدات اخلاقی در قبال تیم، با ارزش‌های جهان‌شمولی که انصاف در ورزش را می‌طلبند، برخورد دارد. بعلاوه، هنجارهای اجتماعی فساد، برخورد بین ارزش‌های عام‌گرا و خاص‌گرا را تعدیل می‌کند.

۲. حافظه اجتماعی: مفهوم حافظه جمعی<sup>۱</sup> بیشتر توسط روانشناسانی که با شناخت اجتماعی و ساختار حافظه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ سروکار داشتند، مطرح شد. ژاک لگاف<sup>۲</sup> از جایی شروع کرد که ادبیات روان‌شناختی در آنجا متوقف شده بود. وی دیدگاه‌های

1. Collective Memory

2. Jacques Le-Goff



روان‌شناختی و تاریخی حافظه را در مجموعه‌ای از آثار منتشر شده بین سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۸۱ گردآوری کرد. این مجموعه در سال ۱۹۹۲ با عنوان «تاریخ و حافظه» به انگلیسی ترجمه و تجدید چاپ شد... از آن زمان به بعد مطالعاتی که اهمیت حافظه اجتماعی را در تصورات جامعه بررسی می‌کنند، افزایش یافته است. در مورد حافظه اجتماعی دیدگاه مشهورتری توسط جیمز فنترس و کریس ویکهام<sup>۱</sup> مطرح شده است. آنها این مقاله کاربردهای متفاوت حافظه اجتماعی را برای جوامع مختلف بررسی می‌کنند: دهقانان، طبقه کارگر، ملت و زنان. حافظه اجتماعی را می‌توان به‌طور کلی به عنوان روایت‌های مشترک گذشته یک جامعه درک کرد که برای هویت و انسجام آن ضروری است (تالنتایر، ۲۰۰۱: ۱۹۸). فنترس و ویکهام توضیح می‌دهند که خاطرات «دستور زبان‌های خاصی» از مفاهیم مشترک ساخته شده‌اند و می‌توانند به‌عنوان روایت‌ها و راهنمای هویت اجتماعی تحلیل شوند. خاطرات برای ارتباط آنها با افراد انتخاب می‌شوند. خاطرات مشترک (و فرآیند بیان آنها به هر شکلی که باشد) در چارچوب معنای گروه شکل می‌گیرد. این به نوبه خود به شکل‌گیری هویت گروه کمک می‌کند و به نحوه مشاهده افراد مرتبط با تجربیات مختلف کمک می‌کند. رویدادها و کنش‌ها به شکل‌های ساده‌شده تقطیر می‌شوند که به راحتی قابل انتقال است. حافظه اجتماعی بدون زمینه، به جای واقعیت‌های تجربی تبدیل به انتقال معانی و آرمان‌ها می‌شود: در این حالت سطح اطلاعات پایدار نیست، چراکه تنها در سطح معانی مشترک و تصاویر به‌یادماندنی، پایداری اطلاعات رخ می‌دهد (تالنتایر، ۲۰۰۱: ۱۹۸). آنچه حیاتی است این نیست که آیا خاطرات اجتماعی به هر معنای واقعی دقیق هستند (اگر واقعاً «حقایق» در مورد گذشته وجود داشته باشد) بلکه این است که مردم چگونه خاطرات مشترک خود را انتخاب، انتقال و توافق می‌کنند. جان گیلیس خاطر نشان می‌کند که هویت‌ها و خاطرات چیزهایی نیستند که به آنها فکر کنیم، بلکه چیزهایی هستند که با آنها فکر می‌کنیم (جان گلیس، ۱۹۹۴: ۷).

۳. هنجارهای شخصی: مطابق پژوهش انجام‌شده توسط کیل (۲۰۱۸: ۱-۲۳۵)، منظور از هنجارهای شخصی، حس تعهد اخلاقی به انجام یا خودداری از انجام کارهای معینی است. هنجارهای شخصی با آگاهی از مشکل و حس مسئولیت نسبت به عواقب آن فعال می‌شود. در موارد خاص، عاملان فساد در ورزش، علی‌رغم آگاهی از اشتباه بودن کارشان، عمداً تصمیم می‌گیرند که در کارهای نادرست مشارکت کنند و تصمیم به تخطی از قوانین

1. James Fentress and Chris Wickham

بگیرند. با وجود اطلاع از نادرست بودن چنین اقدامی، عاملان زیادی در آن دخیل‌اند. برای مثال، در فساد مربوط به تبانی، عاملان مختلفی همچون: بازیکنان، داوران، مربیان، مدیران باشگاه‌ها، مدیران فدراسیون و دستگاه‌های نظارتی می‌توانند مشارکت داشته باشند.

۴. دلیل تراشی (مقایسه فساد): بر خلاف هنجارهای شخصی که فرد با آگاهی از نادرست بودن عمل خود، نسبت به آن اقدام می‌کند، در دلیل تراشی، فرد با توجیه کار خود، آن را درست می‌پندارد. آندروف، (۲۰۱۷) یکی از اتفاقات معمول در جریان شکل‌گیری فعالیت‌های مفسدانه را مقایسه فساد می‌داند، در چنین شرایطی، هر فسادی با یک فساد بزرگ‌تر مقایسه می‌شود. به این ترتیب، زمینه تکرار وقوع و همچنین بروز فسادهای بزرگ‌تر فراهم می‌شود. مطابق پژوهش انجام‌شده توسط کیل (۲۰۱۸)، دلیل تراشی‌های فردی، یعنی توجیه رفتارها یا تصمیمات مفسدانه به عنوان کارهای قابل قبول و درست. افراد و ذی‌نفعان بخش‌های مختلف ورزشی با اعمال استراتژی بی‌طرفی در تصمیمات خود، برای تخطی از قوانین دلیل می‌تراشند. کارهای خطا بی‌اهمیت جلوه داده می‌شوند و یا از جدیت آنها کاسته می‌شود. به عنوان مثال، مربیان و کمک‌مربیان با گفتن این جمله که «اگر تخلفی هم صورت گرفته، جزئی بوده» از جدیت و بزرگی عمل خطا می‌کاهند و می‌گویند: رشوه یک شوخی است و نباید آن را جدی گرفت. نکته حائز اهمیت این است که افراد معمولاً خود را در کارهای خطا دخیل نمی‌دانند یا خودشان را فردی مفسد نمی‌دانند. چنین افرادی با استفاده از ایدئولوژی توجیه عقلانی، اندازه و اهمیت عمل مفسدانه خود را کاهش می‌دهند. به اذعان باندورا (۱۹۹۹) رفتارهای زیان‌آور به عنوان عملی در خدمت مقاصد ارزشمند سیاسی و اخلاقی جلوه داده می‌شود و از این طریق در نظر فرد و جامعه قابل قبول نشان داده می‌شود.

۵. رازداری عمومی: علی‌رغم ماهیت ظاهراً خاموش و مخفی فساد، نظریه‌های رازداری یا رازداری عمومی در گزارش‌های علمی و ادبیات فساد، کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند (نومراتو، ۲۰۱۶: ۷۰۳). علاقه جامعه‌شناختی به رازداری و انجمن‌های سری، برای اولین بار توسط گئورگ زیمل مشاهده شد. زیمل، راز را به عنوان ابزاری برای کنترل اطلاعات در جوامع مدرن می‌پنداشت. زیمل توضیح داد که چگونه انجمن‌های سری بر اساس اصل اعتماد متقابل سازمان‌دهی شده‌اند و چگونه آنها از کل دانش شبکه، در برابر حقایقی که برای غیر اعضا فاش نشده است محافظت می‌کنند. بنابراین راز از طریق منطقی‌ترد، عمل می‌کند و با تفاوت بین دانش پنهان کامل و جهل کامل مشخص می‌شود. زیمل

در مقاله خود، بر انجمن‌های سری تمرکز کرد که نشان‌دهنده نوعی از نظام‌های نسبتاً بسته بودند. با این حال، شرایط دانش کامل و جهل کامل به سختی قابل تحقق است زیرا راز، همیشه از نظر منطقی با این امکان همراه است که می‌تواند کشف شود (زیمل، ۱۹۰۶، به نقل از نورماتو، ۲۰۱۶: ۷۰۴). شبکه‌های اجتماعی که تشکیل‌دهنده فسادند (مانند دلا پورتا، ۲۰۰۰؛ دلا پورتا و وانوچی، ۱۹۹۹؛ وارن، ۲۰۰۱) نمونه‌ای معمولی از انجمن‌های سری را نشان می‌دهد. در سطوح کلان اجتماعی که در آن فساد به طور فزاینده‌ای در انتظار عمومی مورد بحث است و مکرراً مورد توجه سیاست‌گذاران قرار دارد، نهفتگی و ظرفیت شیوع آن به وضوح آشکار است. مفهوم رازداری عمومی که در نوشته‌های تاوسینگ توضیح داده شده است به عنوان آنچه «به‌طور کلی شناخته شده است اما قابل بیان نیست» تعریف می‌شود (تاوسینگ، ۱۹۹۹: ۴). گزارش تاوسینگ در درجه اول بر مطالعه انسان‌شناختی آیین‌های تخریب اموال عمومی متمرکز بود. با این حال، او همچنین از مفهوم رازداری عمومی برای توضیح فساد در رژیم فرانکو در اسپانیا استفاده کرد. فساد فراگیر در واقع، یک راز عمومی بود که با در معرض خطر قرار دادن شهروندان، آنها را با شدت بیشتری به رژیم گره می‌زد (تاوسینگ، ۱۹۹۹: ۵). رازداری عمومی در ورزش جلوه‌های عجیب‌تری را در خود دارد؛ تبانی در فوتبال، نمونه‌ای از موقعیت‌هایی است که در آن معمولاً رازداری عمومی اتفاق می‌افتد. جایی که در اغلب موارد انتقاد و اظهار نظر درباره تبانی به وقوع پیوسته در یک مسابقه به شدت خاموش می‌شود. هورن، (۲۰۱۱) تبانی در مسابقه را به یک راز عمومی که مشابه رازداری سیاسی است، شبیه می‌داند. برای هورن، رازداری عمومی بیانگر موقعیت‌هایی است که در آن «همه یا شک دارند یا می‌دانند که چیزی وجود دارد، اگرچه محتوای اسرار به ندرت فاش می‌شود» (هورن، ۲۰۱۱: ۱۱۲)؛ بنابراین، رازداری عمومی، یک اصل سازمان‌دهنده روابط اجتماعی است. اشکال مختلف رازداری عمومی نه تنها از طریق محتوای واقعی خود، بلکه از طریق تأثیری که این محتوای مخفی، نامرئی، غیرقابل بیان و در عین حال شناخته شده دارد عمل می‌کند (هورن، ۲۰۱۱؛ نیول، ۲۰۱۳)؛ بنابراین، هر شکلی از رازداری (به طور خاص فساد) باید هم از طریق وجود بالفعل آن و هم در نهفتگی و وجود بالقوه آن درک شود. رازداری هم از طریق منطقی فعلیت و هم از طریق منطقی بالقوه عمل می‌کند. به طور خاص، ادراک جامعه‌شناسانه از تبانی، نه تنها باید به معنای افشای یک حقیقت پنهان در مورد اتهامات مخرب بین گروه‌های سازمان‌یافته جنایتکار، مقامات، داوران و

بازیکنان درگیر در پرونده‌های خاص تبانی باشد، بلکه باید به بررسی تأثیری بپردازد که وقوع فسادهای علنی و درعین حال گزارش نشده فضای فوتبال، بر روابط اجتماعی افراد از نظر بی‌اعتمادی، همدستی و سوءظن ایجاد می‌کند. در حالی که راز واقعی به محتوای فساد اشاره دارد، اما راز عمومی به دانش پنهان، یا به عبارت دیگر، عدم آگاهی فعال و بی‌اعتمادی مربوط به ماهیت نهفته و بالقوه فساد اشاره دارد. به نقل از نومراتو (۲۰۱۶: ۷۱۲)، تلاش‌ها برای مبارزه با تبانی لزوماً به نتیجه نمی‌رسد، همان‌طور که ماجرای رئیس یکی از باشگاه‌های فوتبال نشان می‌دهد که وی در نامه‌ای به تمام باشگاه‌هایی که در یک لیگ بازی می‌کنند، از آنها خواسته بود عادت بد رشوه دادن به داوران را ترک کنند (عادت‌تی که به یک قانون نانوشته تبدیل شده بود)، با این حال، رئیس باشگاه که هدفش تغییر فرهنگ فساد بود، در تلاش خود شکست خورد، زیرا با مخالفان به شدت درگیر شد ولی در نهایت نمایندگان باشگاه‌های رقیب حاضر به ترک عادت‌های خود نشدند. در عوض، باشگاه او در پی مقاصد تلافی‌جویانه، به شکل سیستماتیک توسط داورانی که از طرح مبارزه با فساد توسط گروهی از باشگاه‌ها مطلع شده بودند، به شدت تنبیه شد.

۶. تحمل فساد: تحمل، تمایل به سازش با چیزهایی است که شخص آنها رد می‌کند. بنابراین، تحمل نشان می‌دهد که تا چه حد شهروندان مایل‌اند با تخلفات یا تقلب‌هایی که در جامعه آنها وجود دارد، زندگی کنند (چانگ و هانگ، ۲۰۱۶: ۳۳). در حالی که فساد عموماً نامطلوب تلقی می‌شود، مردم ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی درباره میزان فساد داشته باشند. به عبارت دیگر، تحمل فساد ممکن است در میان افرادی که فساد را درک یا تجربه کرده‌اند، متفاوت باشد. چنین تفاوت‌هایی در تحمل فساد می‌تواند یکی از شرایطی باشد که اثر فساد را کاهش می‌دهد. به‌ویژه، افرادی که اعمال فاسد را تجربه می‌کنند، در صورتی که بتوانند با اعمال ناجوانمردانه کنار بیایند، ممکن است به نهاد‌های فاسد اعتماد کنند. بر این اساس، از آنجا که افراد ممکن است فساد را به‌گونه‌ای متفاوت تحمل کنند، تأثیر تخریب اعتماد ممکن است در داخل و بین کشورها متفاوت باشد (چانگ و هانگ، ۲۰۱۶: ۳۳). دلایل خوبی برای این باور وجود دارد که شهروندان کشورهای آسیایی ممکن است تحمل بالایی نسبت به فساد داشته باشند. فرهنگ سیاسی آسیا تمایل دارد بر هماهنگی و روابط سلسله‌مراتبی تأکید کند. شهروندان آسیایی اجتماعی شده‌اند تا منافع شخصی خود را قربانی کنند و از عقاید خود چشم‌پوشی کنند تا در خدمت منافع خانواده، گروه یا جامعه باشند. در نتیجه، منطقی است که فکر کنیم مردم

آسیا ممکن است مایل باشند با اعمال نامطلوب مانند فساد کنار بیایند و زندگی کنند؛ بنابراین، تحمل فساد ممکن است اثر تخریب اعتماد را کاهش دهد. در مجموع، مردم ممکن است همان اعمال فاسد را تجربه کنند و حتی سطح یکسانی از فساد را درک کنند، اما سطوح متفاوتی از خشم علیه فساد را حفظ کنند. چانگ و هانگ (۲۰۱۶) به منظور درک بهتر رابطه بین فساد و اعتماد، در پژوهش خود دریافتند که تحمل فساد در شهروندان آسیایی به آنها کمک می‌کند تا اعتماد خود را به دولت حفظ کنند، حتی زمانی که فساد گسترش یافته است (چانگ و هانگ، ۲۰۱۶: ۳۳-۳۴). دیدگاه‌هایی مانند تحمل فساد تا حدی به ساختارهای نخبگان بستگی دارد. مردم و نخبگان ممکن است نگرش‌های متفاوتی در مورد فساد داشته باشند. بر اساس بینش پوپولیستی جامعه، مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های سیاسی بین «نخبگان فاسد» و «مردم پاک» نهفته است. این نشان می‌دهد که نخبگان فاسدتر از مردم‌اند و در نتیجه، احتمالاً تحمل بیشتری در برابر فساد دارند (ارلینگسون و کریستینسون، ۲۰۱۹: ۱۴۲). نویسندگان بانفوذی که در چارچوب انتخاب عقلایی پیدا کرده‌اند، ادعاهایی دارند که نشان می‌دهد تحمل فساد تا حد زیادی به فساد ارتباط ندارد. برای مثال، برخی از دیدگاه‌های «انتخاب عقلانی» به دنبال توضیح فساد با فرصت‌هایی هستند که برای افراد ارائه می‌شود. بر اساس این دیدگاه، درگیر شدن در فعالیت‌های مفسدانه فی‌نفسه ربطی به «تحمل» ندارد. در عوض، افراد در نتیجه محاسبات هزینه و فایده، مفسدانه عمل می‌کنند. آنها منافع بالقوه را در مقابل هزینه‌های درک شده و خطرات ناشی از گرفتار شدن می‌سنجند (ارلینگسون و کریستینسون، ۲۰۱۹: ۱۴۳). یک دیدگاه دیگر در ارتباط با رابطه بین وقوع فساد و تحمل فساد این است که فساد یا نبود آن را ناشی از شکست در غلبه بر مشکلات کنش جمعی بدانیم (روتشتاین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۵۰-۲۲۸؛ پرسون، روتشتاین و ثورل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳: ۷۱-۴۴۹). اگر فساد ناشی از یک مشکل کنش جمعی باشد، کسانی که می‌خواهند فساد را از بین ببرند، به خوبی عمل نخواهند کرد، زیرا معتقدند تغییر رفتارشان به اندازه کافی برای توجیه این عمل به نفع آنها نخواهد بود (ارلینگسون و کریستینسون، ۲۰۱۹: ۱۴۳). از این رو، آنها احتمالاً یا از این فرصت استفاده می‌کنند تا مفسدانه عمل کنند یا حداقل با وجود غرایز شریف خود، فساد مداوم را تحمل می‌کنند. همان‌طور که اغلب در مورد افسر

1. Rothstein  
2. Persson, Rothstein & Teorell

پلیس نیویورک، فرانک سرپیکو<sup>۱</sup>، گفته می‌شود، «سخت است که تنها پلیس صادق در شهر باشید». از این رو، حتی افرادی که کمترین تحمل فساد را دارند، در نهایت از هنجارهای فساد پیروی می‌کنند یا با آن مدارا می‌کنند. این پدیده، به تعبیر روتشتاین «یک تله اجتماعی» است که جوامع را در منجلاب فرو می‌برد (هولمبرگ، روتشتاین و ناسریتوسی، ۲۰۰۹: ۱۳۹). با توجه به اینکه چندین مطالعه استدلال کرده‌اند که تحمل فساد ممکن است بر وقوع فساد تأثیر بگذارد، لذا دانش‌مندانی مانند لوی و روتشتاین<sup>۲</sup> و همچنین بکر، هاووز و کرونتالر<sup>۳</sup>، معتقدند جوامع باید اطمینان حاصل کنند که تصمیم‌گیرندگان آینده از لحاظ اخلاقی مجهزند. به همین دلیل، لوی و روتشتاین پیشنهاد می‌کنند که مؤسسات آموزش عالی باید آموزش خود را برای القای تفکر اخلاقی و انتقادی و همچنین مهارت‌هایی برای مقابله با معضلات اخلاقی تطبیق دهند. علاوه بر این، چندین کشور کدهای اخلاقی یا کدهای رفتاری را با هدف تقویت اخلاق بخش عمومی معرفی کرده‌اند.

### جمع‌بندی

در نتیجه‌گیری کلی، این پژوهش از دو منظر افزایش دانش نظری و کاربردهای مدیریتی قابل‌شرح است. الف) سهیم بودن در تقویت مبانی نظری فساد ورزشی: یکی از نواقص اصلی در مطالعاتی که در زمینه فساد ورزشی صورت گرفته، این است که تمرکز بیشتر پژوهش‌های داخلی، بر جنبه‌های عمومی فساد بوده است، اما این پژوهش به طور خاص فرهنگ فساد ورزشی را بررسی کرد تا ابتدا، عوامل مؤثر بر آن را شناسایی و سپس با استفاده از تکنیک‌های تحلیل غیرخطی، چگونگی تأثیر و تأثر هریک از آنها را آشکار سازد؛ بنابراین مطالعه حاضر کوشید تا در توسعه و تعمیق دانش نظری پیرامون فرهنگ فساد در ورزش مشارکت داشته باشد.

ب) کاربردهای مدیریتی: فساد در هر معنایی برهم زننده ثبات، امنیت و تعادل جامعه است؛ بنابراین، رفتار اعضای جامعه که مبتنی بر نظم قانونمند است به راحتی قابل پیش‌بینی است، چرا که روال نظم‌پذیری بر مبنای جامعه‌پذیری سالم و داوطلبانه صورت می‌پذیرد و معمولاً افراد، موافق انتظارات جامعه خود رفتار می‌کنند، لذا یک اراده جمعی حاکم بر جامعه می‌تواند به راحتی مانع از کژرفتاری‌ها شود و این یعنی نظارت

1. Frank Serpico
2. Levi and Rothstein
3. Becker, Hauser & Kronthaler

اجتماعی قوی. برقرارسازی نظام پایش و بررسی‌ها برای شناسایی ساختارهای فسادزا و محدود کردن فرصت‌های فساد، متناسب‌سازی نظام جرم و مجازات، تلاش برای مقابله با بی‌تفاوتی و بی‌حسی اجتماعی، ایجاد سیستم‌های آموزشی کارآمد جهت همراه کردن جامعه با استراتژی تقبیح فساد، ایجاد سازوکارهای تشویقی برای اقدامات افشاگرانه، می‌تواند تحمل فساد را در جامعه تا حدود زیادی پایین بیاورد و سهولت مشارکت در فساد را از بین ببرد.

### منابع

۱. امینی، محمد. (۱۳۹۵). وضعیت فرهنگی جامعه از منظر متولیان فرهنگ؛ مورد مطالعه: مدیران و فعالان فرهنگی استان همدان. *راهبرد فرهنگ*. ۹(۳۵)، ۲۳۵-۲۶۶.
۲. منصوری، فردین، مژگان حسینی قمی و حسین مصلحتی. (۱۳۹۷). زمینه‌های اجتماعی رواج فساد اقتصادی و اداری (مطالعه درباره‌ی شهرداری‌های مناطق و بانک‌ها در تهران). *مسائل اجتماعی ایران*؛ ۲۳(۹)، ۱۰۱-۱۲۴.
3. Agerberg, M. (2022). Messaging about Corruption: The Power of Social Norms. *Governance*, 35(3), 929-950.
4. Aluko, M. A. O. (2002). The Institutionalization of Corruption and Its Impact on Political Culture and Behaviour in Nigeria. *Nordic Journal of African Studies*, 11(3), 1-10.
5. Andreff, W. (2017). Complexity Triggered by Economic Globalisation—The Issue of On-Line Betting-Related Match Fixing. *Systems*, 5(1), 2-18.
6. Bandura, A. (1999). Moral disengagement in the perpetration of inhumanities. *Personality and Social Psychology Review*, 3, 193-209.
7. Becker, K. Hauser, C. & Kronthaler, F. (2013). Fostering management education to deter corruption: what do students know about corruption and its legal consequences? *Crime, law and social change*, 60(2), 227-240.
8. Barr, A. & Serra, D. (2010). Corruption and culture: An experimental analysis. *Journal of Public Economics*, 94(11-12), 862-869. doi:10.1016/j.jpubeco.2010.07.006.
9. Barberis, N. (2013). Psychology and the Financial Crisis of 2007-2008. *Financial innovation: too much or too little*, 15-28.
10. Bell, P. Ten Have, C. and Lauchs, M. (2016). A Case Study Analysis of a Sophisticated Sports Doping Network: Lance Armstrong and the USPS Team. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 46, 57-68.
11. Brooks, G. & Lavorgna, A. (2017). Lost Eden: The Corruption of Sport. *In Corruption in Sport*. 79-90.
12. Chang, J. J. & Lai, C. C. (2002). Is the Efficiency Wage Efficient? The Social Norm and Organizational Corruption. *Scandinavian Journal of Economics*, 104(1), 27-47.
13. Chang, E. C. & Huang, S. H. (2016). Corruption Experience, Corruption Tolerance, and Institutional Trust in East Asian Democracies. *Taiwan Journal of Democracy*, 12(1), 27-44.
14. Dimant, E. & Schulte, T. (2016). The Nature of Corruption: An Interdisciplinary Perspective. *German Law Journal*, 17(1), 53-72.
15. Ehrlich, I. (1996). Crime, Punishment and the Market for Offenses. *Journal of Economic Perspectives*. 10, 43-67.
16. Erlingsson, G. Ó. & Kristinsson, G. H. (2019). Exploring Shades of Corruption Tolerance: Tentative Lessons From Iceland and Sweden. *Kyiv-Mohyla Law and Politics Journal*, (5),



- 141-164.
17. Erturan-Ogut, E. E. & Sahin, M. Y. (2014). Political Clientelism in Turkish Sports Federations. *European Sport Management Quarterly*, 14(5), 556-566.
  18. Forrest, D. (2012). The Threat to Football from Betting-Related Corruption. *International Journal of Sport Finance*, Vol. 7 Issue 2, 99-116.
  19. Forrest, D., and Simmons, R. (2004). Sport and Gambling. *Oxford Review of Economic Policy*. 19, 598-611.
  20. Girginov, V. (2009). Bulgarian Sport Policy 1945-1989: A Strategic Relations Approach. *The International Journal of the History of Sport*, 26, 515-538.
  21. Girginov, V. & Sandanski I. (2008). Understanding the Changing Nature of Sports Organisations in Transforming Societies. *Sport Management Review*, 11(1), 21-50.
  22. Gigerenzer, G. and Selten, R. (2002). Rethinking Rationality. In G. Gigerenzer and R. Selten, eds. *Bounded Rationality: The Adaptive Toolbox*, 1-12.
  23. Geeraert, A. (2013). The Governance Agenda and Its Relevance for Sport: Introducing the Four Dimensions of the AGGIS Sports Governance Observer. In J. Alm (ed.), *Action for Good Governance in International Sports Organisations*. 9-21.
  24. Geeraert, A. and Drieskens, E. (2015). The EU Controls FIFA and UEFA: a Principal-Agent Perspective. *Journal of European Public Policy*, 22(10), 1448-66.
  25. Geeraert, A. (2016). The Governance of International Sport Organisations. In B. Houlihan and D. Malcolm (eds), *Sport in society: a student introduction*. 37-413.
  26. Gorse, S. and Chadwick, S. (2010). The Prevalence of Corruption in International Sport: a Statistical Analysis. *London: Remote Gambling Association*. 6-49 .
  27. Gottfredson, D. C. (1990). Developing Effective Organizations. *Student discipline strategies: Research and practice*, 7-174.
  28. Gouldner, A. (1960). The Norm of Reciprocity: a Preliminary Statement. *American Sociological Review*, 25 (2): 161-178.
  29. Graycar, A. & Prenzler, T. (2013). *Understanding and Preventing Corruption*. Basingstoke: Palgrave MacMillan. 5(1), 6-23.
  30. Henry, I. P. & Nassis, P. (1999). Political Clientelism and Sports Policy in Greece. *International Review for the Sociology of Sport*, 34(1), 43-58.
  31. Holmberg, S. Rothstein, B. & Nasiritousi, N. (2009). Quality of Government: What you Get. *Annual Review of Political Science*, 12, 135-161.
  32. Hu, K. H. Chen, F. H. Tzeng, G. H. & Lee, J. D. (2015). Improving Corporate Governance Effects on an Enterprise Crisis Based on a New Hybrid DEMATEL with the MADM Model. *Journal of Testing and Evaluation*, 43(6), 1395-1412.
  33. John R. Gillis (Ed). (1994). *Commemorations: The Politics of National Identity*. Princeton University Press.
  34. Kihl, L. A. (2018). Corruption in Sport: Causes, Consequences, and Reform. *Routledge Research in Sport and Corruption*. 1-235.
  35. Kitschelt, H.(2000). Linkages between Citizens and Politicians in Democratic Polities. *Comparative Political Studies*, 33 (6-7): 845-879.
  36. Köbis, N. C. Troost, M. Brandt, C. O. & Soraperra, I. (2022). Social Norms of Corruption in the Field: Social Nudges on Posters can Help to Reduce Bribery. *Behavioural Public Policy*, 6(4), 597-624.
  37. Persson, A. Rothstein, B. & Teorell, J. (2013). "Why Anticorruption Reforms Fail: Systemic Corruption as a Collective Action Problem, *Governance*, 26 (3): 71-449.
  38. Philippou, C. (2019). Towards a Unified Framework for Anti-bribery in Sport Governance. *International Journal of Disclosure and Governance*, 16(2), 83-99.
  39. Lastra, R. Bell, P. & Bond, C. (2016). Sports Betting-motivated Corruption in Australia: an



- Under-Studied Phenomenon. *International Journal of Social Science Research*, 4(1), 61-82.
40. Lee, P. C. (2012). Political Clientelism and Professional Baseball in Taiwan: The Merger Between the two Leagues in 2003. *International Review for the Sociology of Sport*, 47(4), 475-491.
41. Levi, L. & Rothstein, B. (2018). Educating Ethical Leaders and Critical Thinkers. *University World News*, 12.
42. Mitchell, R. B. Crosset, T. & Barr, C. A. (1999). Encouraging Compliance Without Real Power: Sport Associations Regulating Teams. *Journal of Sport Management*, 13(3), 216-236.
43. Monteverde, V. H. (2021). The Cost of Corruption and Undue Private Benefit: two Hidden Faces of the Same mirror. *Journal of Financial Crime*. 29 (12). 653-664.
44. Moriconi, M. & De Cima, C. (2020). To Report, Or not to Report? From Code of Silence Suppositions Within Sport to Public Secrecy Realities. *Crime, Law and Social Change*, 74(1), 55-76
45. Nagin, D. S. (2013). Deterrence: A Review of the Evidence by a Criminologist for Economists. *Annu. Rev. Econ.* 5(1), 83-105.
46. Newell S. (2013). Brands as Masks: Public Secrecy and the Counterfeit in Côte d'Ivoire. *Journal of the Royal Anthropological Institute*, 19(1): 138-154.
47. Numerato, D. (2009). The Institutionalisation of Regional Public Sport Policy in the Czech Republic. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 1(1), 13-30.
48. Numerato, Dino. (2016). Corruption and Public Secrecy: An Ethnography of Football Match-fixing. *Current Sociology*, 64,5: 699-717.
49. Osifo, Charles. (2018). A Network Perspective and Hidden Corruption. *Journal of Public Administration and Governance*, 8 (1), 115-136.
50. Radcliffe, V. S. (2008). Public Secrecy in Auditing: What Government Auditors can not know. *Critical Perspectives on accounting*, 19 (1), 99-126.
51. Rothstein, B. (2011). "Anti-Corruption: the Indirect 'Big Bang' Approach, *Review of International Political Economy*, 18(2), 50-228.
52. Stathopoulou, A. Quansah, T. K. & Balabanis, G. (2021). The Blinding Effects of Team Identification on Sports Corruption: Cross-cultural Evidence from Sub-Saharan African countries. *Journal of Business Ethics*, 1-19.
53. Stephenson & Schütte A. (2016). Specialised Anti-corruption Courts: a Comparative Mapping. *Report Published in U4 Issue, December*, (7). 6-55.
54. Stokes, S. C. (2007). Political Clientelism. In *The Oxford Handbook of Political Science*.
55. Sung, H. E. (2012). Women in Government, Public Corruption, and Liberal Democracy: a Panel Analysis. *Crime, Law and Social Change*, 58(3), 195-219.
56. Tallentire, J. (2001). Strategies of Memory: History, Social Memory, and The Community. *Histoire Sociale/Social History*. 197-212 .
57. Taussig M. (1999). Defacement: *Public Secrecy and the Labour of the Negative*. Stanford, CA: Stanford University Press.
58. Tvedten, I. & Picardo, R. (2018). 'Goats Eat Where They are Tied up': Illicit and Habitual Corruption in Mozambique. *Review of African Political Economy*, 45(158), 541-557.